



یکشنبه سیزدهم مرداد ماه ۱۳۹۸

سال هفتاد و پنجم شماره ۲۱۶۶۷

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضایی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۱۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراءکننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱	شورای اسلامی شهر کمال شهر	۱۳۹۸/۲/۳	رای شماره ۱۰۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال قسمتهایی از تعرفه‌های سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر کمال شهر
۷	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۱۳۹۷/۱۲/۷	رای شماره‌های ۲۱۰۴ الی ۲۱۰۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بندهای ۳-۵ و ۳ آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۶۷
۱۱	شورای اسلامی شهر گراش	۱۳۹۸/۲/۱۷	رای شماره ۱۸۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال ردیف ۶ تعرفه شماره ۲۸ دفترچه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر گراش
۱۳	سازمان تأمین اجتماعی	۱۳۹۸/۲/۲۴	رای شماره ۳۱/۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ابطال بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی در خصوص نحوه محاسبه مستمری بازنشستگان جانبازان و آزادگان

قوانین و مقررات عمومی

(۲) بند ۵ تعرفه عوارض شورای اسلامی شهر کمال شهر در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ در خصوص عوارض حذف پارکینگ
(۳) بند ۷ تعرفه عوارض شورای اسلامی شهر کمال شهر در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ در خصوص عوارض تفکیک عرصه و اعیانی در کاربریهای مختلف
(۴) ردیف (ب) بند ۱۲ تعرفه عوارض شورای اسلامی شهر کمال شهر در سال ۱۳۹۱ در خصوص عوارض ابقای ساختمان
(۵) ردیف (د) و (۱۲/۱) بند ۱۲ تعرفه عوارض شورای اسلامی شهر کمال شهر در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ در خصوص عوارض ابقای ساختمان
(۶) بند ۱۳ تعرفه عوارض شورای اسلامی شهر کمال شهر در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ در خصوص عوارض حق النظاره مهندسین ناظر
(۷) بند ۱۶ تعرفه عوارض شورای اسلامی شهر کمال شهر در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ در خصوص عوارض فضای سبز شورای اسلامی شهر کمال شهر
گردش کار: آقای پرومند حسینی به وکالت از آقای محمدعلی جمشیدی به موجب دادخواستی ابطال تعرفه‌های فوق‌الذکر را از تعرفه عوارض سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر کمال شهر را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که: «ریاست محترم دیوان عدالت اداری سلام علیکم احتراماً موکل اینجانب به موجب وکالتنامه‌های فروش شماره ۴۵۲۳۹، ۴۹۵۲۶، ۲۱۵۸۱، ۲۰۲۹۹، ۲۴۶۰۰ مبادرت به خرید ۶ دانگ یک قطعه زمین از پلاک ثبتی ۱۳۷ اصلی از ۱۱۱۲ فرعی قطعه ۳۸۵ واقع در کمال شهر کرج می‌نماید و در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۱۹

۱۳۹۸/۲/۱۷

شماره ۹۶۰۰۸۸۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
با سلام

یک نسخه از رای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۱۰۱ مورخ ۱۳۹۸/۲/۳ با موضوع: «ابطال قسمتهایی از تعرفه‌های سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر کمال شهر» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۲/۳ شماره دادنامه: ۱۰۱ شماره پرونده: ۸۸۲/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محمدعلی جمشیدی پنجکی با وکالت آقای پرومند حسینی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال (۱) بند ۳ تعرفه عوارض شورای اسلامی شهر

کمال شهر در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ در خصوص عوارض مزاد بر تراکم

قسمت دوم شکواییه: قضات همان گونه که مستحضر هستید به موجب ماده ۵ قانون تجمیع عوارض شوراها، در چارچوب قانون شورا مصوب ۱۳۷۵ مجاز به وضع عوارض محلی می‌باشند و در بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون شوراها نیز صرفاً صورت ارائه خدمات از سوی شهرداری اجازه وضع عوارض داده شده است و از آنجا که در مورد تفکیک عرصه شهرداریها ارائه دهند خدماتی نمی‌باشند و این موضوع نیز در آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره‌های ۱- دادنامه شماره ۳۸۱-۱۳۹۰/۹/۷ مبنی بر ابطال مصوبه شورای شهر شیراز ۲- دادنامه شماره ۶۳۴- مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۰ مبنی بر ابطال مصوبه شورای شهر گرگان ۳- دادنامه شماره ۱۳۱۲- ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ مبنی بر ابطال مصوبه شورای شهر هشتگرد همگی نسبت وضع عوارض تفکیک و افزای عرصه و به جهت مغایرت با ماده ۴ قانون تنظیم مقررات مالی دولت و خروج شورا از حدود اختیارات باطل شده و از طرفی تبصره ۳ ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها نیز در خصوص زمینهای بالای ۵۰۰ متر و آن هم در جهت تأمین سرانه عمومی می‌باشد و استناد به تبصره مذکور به منظور وضع عوارض محمل قانونی ندارد و در خصوص وضع عوارض تفکیک اعیان هم موضع در صلاحیت اداره ثبت بوده و عوارض مربوطه هم به موجب ماده ۱۵۰ قانون ثبت براساس ارزش معاملاتی روز ملک از مالک اخذ می‌گردد. لذا شهرداری در این مورد ارائه‌دهنده خدماتی نمی‌باشد و از طرفی بین صدور پایان کار و تفکیک اعیانی فاصله زمانی بوده و اخذ عوارض تفکیک اعیان زمان صدور پایان کار در حالی که هنوز تفکیکی انجام نشده غیرموجه است و این موضوع نیز در دادنامه شماره ۹۷- ۱۳۹۵/۳/۲۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تأیید گردیده و مصوب شورای شهر گرگان در قسمت اخذ عوارض تفکیک عرصه و اعیان ابطال شده است لذا ماده ۷ تعرفه عوارض شورای شهر کمال شهر مصوب ۱۳۹۵ و ۱۳۹۱ نیز خلاف قانون و خارج از اختیارات این شورا می‌باشد و تقاضای ابطال آن را دارم.»

متن تعرفه‌ها در قسمتهای مورد اعتراض به قرار زیر است:

«الف) بند ۳: عوارض مازاد بر تراکم در سال ۱۳۹۱:

۳- عوارض مازاد بر تراکم مجاز: برای محاسبه عوارض مازاد بر تراکم مجاز با کاربریهای مختلف که برابر ضوابط پیش‌بینی شدن در دفترچه طرح هادی و طرح جامع و همچنین در صورتی که املاک واقع در حوزه شهر نیاز به افزایش تراکم داشته باشند، هنگام پیشنهاد برای تصویب در کمیته فنی طرحهای هادی یا کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون شورای عالی شهرسازی و معماری از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$K \times P \times S$$

K = ضریب املاک با کاربری‌های مختلف می‌باشد.

P = قیمت منطقه بندی زمین

S = مساحت مربوط به افزایش تراکم

ضریب K برای واحدهای مسکونی با تراکم کم ۴ و با تراکم متوسط ۷ با تراکم زیاد ۸ ضریب بناهای تجاری ۱۲ و بناهای صنعتی و کارگاهی ۹ و بناهای اداری ۸ و سایر کاربری‌ها نیز ۳ تعریف شده است.

تبصره: بدیهی است در صورت عدم تصویب پیشنهاد مذکور توسط مراجع ذیصلاح، مبالغ دریافتی یا تضمین اخذ شده در این خصوص به مؤدی بایستی مسترد گردد.

تبصره: در صورت پرداخت مجموع جریمه ماده ۱۰۰ به اضافه عوارض بعد از کمیسیون به صورت نقد به حساب شهرداری ضریب به صورت $1/2K$ معادل نصف محاسبه و وصول خواهد شد.»

«بند ۳: عوارض مازاد بر تراکم در سال ۱۳۹۵:

۳- عوارض مازاد بر تراکم مجاز: برای محاسبه عوارض مازاد بر تراکم مجاز با کاربریهای مختلف که برابر ضوابط پیش‌بینی شدن در دفترچه طرح هادی و طرح جامع و همچنین در صورتی که املاک واقع در حوزه شهر نیاز به افزایش تراکم داشته باشند، هنگام پیشنهاد برای تصویب در کمیته فنی طرحهای هادی یا کمیسیون موضوع ماده ۵ قانون شورای عالی شهرسازی و معماری علاوه بر عوارض پذیره و پایه از فرمول زیر استفاده می‌شود:

الف) برابر ضوابط پیش‌بینی شدن در دفترچه طرح هادی و طرح جامع

$$K \times P \times S$$

K = ضریب املاک با کاربری‌های مختلف می‌باشد.

P = قیمت منطقه بندی زمین

S = مساحت مربوط به افزایش تراکم

ضریب K برای واحدهای مسکونی با تراکم کم ۵ و با تراکم متوسط ۹ با تراکم زیاد ۱۰ ضریب بناهای تجاری ۱۷ و بناهای صنعتی و کارگاهی ۱۳ و بناهای اداری ۱۱ و سایر کاربری‌ها نیز ۴ تعریف شده است.»

و از طریق وکالت‌های فوق مبادرت به اخذ پروانه ساختمانی شماره ۹۳/۲۰/۴۶۱ نموده و نهایتاً به علت تخلفات ساختمانی موضوع در کمیسیون ماده ۱۰۰ مطرح و به موجب رأی قطعی کمیسیون تجدیدنظر مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۷ به پرداخت مبلغ ۷۱۵ میلیون تومان محکوم و متعاقباً و در تاریخ ۱۳۹۴/۴/۳۱ از سوی واحد درآمد شهرداری به عنوان عوارض بعد از کمیسیون برگی تنظیم می‌گردد که موکل می‌باید علاوه بر پرداخت جریمه فوق مبلغی حدوداً نزدیک به ۱۸۵ میلیون تومان دیگر به عنوان عوارض بعد از کمیسیون اعم از مسکونی، تجاری، پذیره، تفکیک، بالکن و پیش آمدگی، حق‌النظاره فضای سبز و ایمنی ساختمان پرداخت نماید. شرح شکواییه قسمت اول:

قضات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری همان گونه که مستحضرید در خصوص تخلفات ساختمانی و انجام اقدامات خلاف پروانه، مغایر با اصول فنی و شهرسازی، ایمنی و بهداشتی تکلیف در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مشخص و می‌باید رأی به اخذ جریمه یا اعاده به وضع سابق آن هم توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ (بدوی و تجدیدنظر) داده شود اما متأسفانه در چند سال اخیر شاهد این موضوع بوده ایم که مالک علاوه بر پرداخت جرایم، از طرف شهرداری و به موجب مصوبات شورای شهر ملزم به پرداخت عوارض بعد از کمیسیون می‌گردد در حالی که مصوبات مذکور خلاف قوانین آمره بوده چرا که به موجب بند ۲۶ ماده ۷۱ شوراها، انتساب شهرداران، شوراها، شهر حق تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمانهای وابسته را دارد به همین جهت به موجب دادنامه شماره ۱۸۱۸ - ۱۳۹۳/۱۱/۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض چنانچه منوط به ارائه خدمات نباشد تشخیص داده شده و از آنجا که به موجب ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، شهرداریها مکلف شده‌اند که از انجام تخلفات ساختمانی جلوگیری نمایند و موضوع را به کمیسیون ماده ۱۰۰ ارجاع دهند و بدین نحو قانونگذار از ارائه هر نوع خدماتی توسط شهرداری به تخلفات ساختمانی ممانعت نموده و از طرفی نیز اصولاً شهرداری خدماتی در این زمینه ارائه نمی‌دهد که مستحق دریافت عوارض باشد و مضافاً اینکه موضوع تخلفات ساختمانی نیز در ماده فوق‌الذکر نسبت به آن تعیین تکلیف گشته است و در ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی هم اخذ هرگونه وجهی خارج از چارچوب قانونی را توسط ارگانهای ذیربط من جمله شهرداریها ممنوع اعلام شده است به همین جهت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به کرات و در آرای متعدد و مختلف به شرح ذیل اخذ عوارض بعد از کمیسیون را خارج از حدود اختیارات شورای شهر دانسته و نسبت به ابطال آن اقدام کرده است.

لذا تعرفه عوارض شهرداری کمال شهر مصوب ۱۳۹۵ و ۱۳۹۱ در بند ۱۰ ماده ۱، مواد ۳، ۵، ۶، ۸، ۱۲، ۱۰، ۱۳ و ۱۶ از هر دو دفترچه و بند ۳ قسمت توضیحات ماده ۱ دفترچه مصوب ۱۳۹۵ نسبت به مصادیق و موارد مربوط به تخلفات ساختمانی که در کمیسیون ماده ۱۰۰ مطرح می‌گردد و به شهرداری اجازه اخذ عوارض بعد از کمیسیون را خواهد داد خلاف قانون و خروج از اختیارات واصله می‌باشد به همین جهت تقاضای ابطال آن را دارم.

۱- دادنامه شماره ۳۵۴ الی ۳۵۸ - ۱۳۸۰/۷/۱۴ مبنی بر ابطال بخشنامه معاون شهرسازی و معماری در خصوص اخذ عوارض اضافه تراکم، تغییر کاربری و زیربنا و پذیره علاوه بر تخلفات ساختمانی.

۲- دادنامه شماره ۸۴۸ - ۱۳۸۷/۱۲/۱۱ مبنی بر ابطال مصوبه شورای شهر اردبیل در خصوص وضع عوارض مازاد تراکم، کسری فضای آزاد و ارزش افزوده به جهت تخلفات ساختمانی

۳- دادنامه شماره ۷۷۰ - ۱۳۹۱/۱۱/۱۸ مبنی بر ابطال مصوبات شورای شهر بوشهر نسبت به اخذ عوارض کسر پارکینگ.

۴- دادنامه شماره ۱۵۲۹ - ۱۳۹۳/۹/۲۴ مبنی بر ابطال مصوب شورای شهر اردبیل در خصوص عوارض کسری فضای آزاد به جهت تخلفات ساختمانی

۵ - دادنامه شماره ۵۲ - ۱۳۹۵/۲/۲۷ مبنی بر ابطال مصوبه شورای شهر شاهرود در خصوص وضع عوارض کسری پارکینگ به جهت تخلفات ساختمانی

۶ - دادنامه شماره ۲۴۲ - ۱۳۹۵/۴/۱ مبنی بر ابطال مصوبه شورای شهر کرج در قسمت وضع کلیه عوارض تخلفات ساختمانی

۷- دادنامه شماره ۱۳۵۶ الی ۱۳۵۹ - ۱۳۹۵/۱۱/۱۷ در خصوص ابطال مصوبه شورای شهر ملایر و تبریز و در قسمت عوارض زیر بنا، پذیره، اضافه تراکم، تغییر کاربری، عوارض فضای سبز و عوارض ایمنی

۸ - دادنامه شماره ۱۳۵۵ - ۱۳۹۵/۱۲/۱۷ مبنی بر ابطال مصوبه شورای شهر ملایر در قسمت عوارض پیش آمدگی و بالکن، حق‌النظاره، عوارض مازاد، تفکیک اعیانی و فضای سبز ملی ناشی از تخلفات ساختمانی و مربوط به بعد از کمیسیون می‌باشد.

K برای مسکونی ۸، تجاری ۱۶، صنعتی و اداری و مشاغل مزاحم شهری حمل و نقل و انبار ۱۱، ورزشی، فرهنگی، مذهبی، درمانی ۶ سایر کاربریها و حریم ۱۴ برابر ارزش منطقه‌ای موضوع دفترچه امور اقتصادی و دارایی

تبصره ۲: اگر یک ملک بر اثر عبور خیابان، لوله‌های آبرسانی، گازرسانی و دکل‌های برق به چند قطعه تفکیک گردد به عنوان عوامل قهری تلقی شده و عوارض برابر تعرفه مجاز محاسبه خواهد شد.

تبصره ۳: در خصوص عرصه املاک تفکیک شده قبل از تأسیس شهرداری که بنای محصور منطبق با عکس هوایی در نقشه طرح هادی (سال ۱۳۷۵ زمان تأسیس شهرداری) موجود باشد عوارض تفکیک به صورت مجاز محاسبه می‌شود. در صورت تفکیک مجدد که مغایر با وضعیت فوق و همچنین بدون موافقت شهرداری صورت گیرد، غیرمجاز تلقی خواهد شد و جهت مترائز بیش از پانصد متر مطابق تبصره یک و کمتر از پانصد متر نصف عوارض مربوطه اخذ خواهد شد.»

«بند ۷: عوارض تفکیک عرصه و اعیانی در کاربریهای مختلف در سال ۱۳۹۵:

۷/۱: برای محاسبه عوارض تفکیک:

تبصره ۱: با توجه به تبصره ۳ ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداریها که در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و مطابق آن شهرداری می‌تواند برای تأمین سرانه عمومی و خدماتی در اراضی با مساحت بیش از پانصد مترمربع دارای سند ششدانگ تا سقف بیست و پنج درصد (۲۵٪) از باقیمانده اراضی را در اثر تفکیک و افراز دریافت نماید یا قدرالسهم مذکور را بر اساس قیمت روز طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت نماید. لذا در راستای قانون مذکور و مجوز این شهرداری در خصوص صدور پروانه بر روی املاک با سند عادی (قولنامه)، همچنین عرصه بناهای مطروحه در کمیسیونهای ماده صد شهرداریها و ماده ۱۴۷ اصلاحی ثبت به صورت غیرمجاز تفکیک عرصه شده و صورتجلس تفکیکی به تأیید شهرداری نرسیده است جهت تأمین سرانه‌های عمومی مورد نیاز این گونه املاک قدرالسهم آنها براساس برآورد کارشناسی معادل آن متناسب با ارزش معاملاتی دفترچه دارایی و ضرایب تعیین شده به شرح فرمول زیر محاسبه و وصول می‌گردد.

ضوابط تفکیک متناسب با نوع کاربری بر اساس دفترچه هادی یا جامع هر شهر توسط واحد فنی و شهرسازی شهرداریها تعیین می‌شود.

تفکیک ضریب \times ارزش منطقه‌ای \times مساحت عرصه $\rightarrow S \times P \times K$

تبصره ۲: در خصوص عرصه املاک تفکیک شده متناسب با بنای محصور منطبق با عکس هوایی و نقشه موجود به تفکیک سالهای مورد اشاره ضریب K تعیین و محاسبه و وصول خواهد شد.

۱- قبل از تأسیس شهرداری سال شهریور ۱۳۷۵:

K برای مسکونی ۵، تجاری ۱۰، صنعتی و اداری و مشاغل مزاحم شهری حمل و نقل و انبار ۸، ورزشی، فرهنگی، مذهبی، درمانی ۴، سایر کاربریها و حریم ۹ برابر ارزش منطقه‌ای موضوع دفترچه امور اقتصادی و دارایی

۲- از شهریور ۱۳۷۵ تا پایان ۱۳۸۵:

K برای مسکونی ۱۰، تجاری ۲۰، صنعتی و اداری و مشاغل مزاحم شهری حمل و نقل و انبار ۱۴، ورزشی، فرهنگی، مذهبی، درمانی ۸، سایر کاربریها و حریم ۱۸ برابر ارزش منطقه‌ای موضوع دفترچه امور اقتصادی و دارایی

۳- از سال ۱۳۸۶ تا پایان ۱۳۹۰:

K برای مسکونی ۲۵، تجاری ۵۰، صنعتی و اداری و مشاغل مزاحم شهری حمل و نقل و انبار ۳۰، ورزشی، فرهنگی، مذهبی، درمانی ۲۰، سایر کاربریها و حریم ۴۳ برابر ارزش منطقه‌ای موضوع دفترچه امور اقتصادی و دارایی

۳- از سال ۱۳۹۱ به بعد: با توجه به حاکمیت تبصره ۳ قانون اصلاحی ماده ۱۰۱ شهرداریها املاک بالای ۵۰۰ مترمربع دارای سند ششدانگ مطابق قانون مذکور عمل می‌شود و املاک دارای سند ششدانگ زیر ۵۰۰ مترمربع به شرح ذیل خواهد بود:

K برای مسکونی ۴۰، تجاری ۸۰، صنعتی و اداری و مشاغل مزاحم شهری حمل و نقل و انبار ۶۲، ورزشی، فرهنگی، مذهبی، درمانی ۳۰، سایر کاربریها و حریم ۷۰ برابر ارزش منطقه‌ای موضوع دفترچه امور اقتصادی و دارایی

تبصره ۳: اگر یک ملک بر اثر عبور خیابان، لوله‌های آبرسانی، گاز رسانی و دکل‌های برق به چند قطعه تفکیک گردد به عنوان عوامل قهری تلقی شده و عوارض برابر بند (۱) تبصره ۲ محاسبه خواهد شد.»

«ب) بند ۵: عوارض حذف پارکینگ در سال ۱۳۹۱:

۵ - عوارض حذف پارکینگ: برای محاسبه عوارض حذف پارکینگ در صورتی که هنگام صدور پروانه احداث بنا،

امکان تأمین پارکینگ مطابق دستورالعملهای شماره ۲۳۳۱/۳/۳۴ - ۱۳۷۱/۲/۷ و ۱۰۷۴۰/۱/۳/۳۴ - ۱۳۷۱/۶/۴ وزارت کشور برای مالکین فراهم نباشد، شهرداری می‌بایست نسبت به وصول عوارض حذف پارکینگ به شرح ذیل عمل نماید.

$P \times K \times$ (مترائز یک واحد پارکینگ) (۲۵ مترمربع)

در فرمول مذکور: K = ضریب مربوط به بناهای با کاربریهای مختلف می‌باشند.

P = همان قیمت منطقه‌بندی زمین می‌باشد.

ضریب K برای واحدهای مسکونی عدد ۶ و واحدهای تجاری عدد ۱۲ و واحدهای صنعتی و مشاغل مزاحم شهری و اداری عدد ۸ و سایر بناها عدد ۴ تعریف شده است.

تبصره ۱: مترائز مربوط به هر واحد پارکینگ با توجه به ضوابط پیش‌بینی شده در طرح هادی یا تفصیلی هر شهرداری محاسبه می‌شود.

تبصره ۲: در مواردی که پارکینگ حذف شده در کمیسیون ماده صد مشمول جریمه گردیده عوارض حذف پارکینگ محاسبه نخواهد شد.»

«بند ۵ عوارض حذف پارکینگ در سال ۱۳۹۵:

۵ - عوارض حذف پارکینگ: برای محاسبه عوارض حذف پارکینگ در صورتی که هنگام صدور پروانه احداث بنا، امکان تأمین پارکینگ مطابق دستورالعملهای شماره ۲۳۳۱/۳/۳۴ - ۱۳۷۱/۲/۷ و ۱۰۷۴۰/۱/۳/۳۴ - ۱۳۷۱/۶/۴ وزارت کشور برای مالکین فراهم نباشد، شهرداری می‌بایست نسبت به وصول عوارض حذف پارکینگ به شرح ذیل عمل نماید.

$P \times K \times$ (مترائز یک واحد پارکینگ) (۲۵ مترمربع)

در فرمول مذکور: K = ضریب مربوط به بناهای با کاربریهای مختلف می‌باشند.

P = همان قیمت منطقه‌بندی زمین می‌باشد.

ضریب K برای واحدهای مسکونی عدد ۳۰ و واحدهای تجاری عدد ۵۰ و واحدهای صنعتی و مشاغل مزاحم شهری و اداری عدد ۳۶ و سایر بناها عدد ۸ تعریف شده است.

تبصره ۱: مترائز مربوط به هر واحد پارکینگ با توجه به ضوابط پیش‌بینی شده در طرح هادی یا تفصیلی هر شهرداری محاسبه می‌شود.

تبصره ۲: در مواردی که پارکینگ حذف شده در کمیسیون ماده صد مشمول جریمه گردیده عوارض حذف پارکینگ محاسبه نخواهد شد.»

«ج) بند ۷: عوارض تفکیک عرصه و اعیانی در کاربریهای مختلف در سال ۱۳۹۱:

۷/۱: برای محاسبه عوارض تفکیک عرصه املاک مجاز: با کاربریهای مختلف با تقاضای مالک و با رعایت ضوابط فنی و شهرسازی از فرمول ذیل استفاده می‌شود:

قیمت منطقه‌ای \times مساحت \times ضریب $\rightarrow S \times p \times K$

ضریب برای اراضی با کاربریهای مختلف عبارتند از:

مسکونی با تراکم کم = ۳۰٪ تجاری = ۱۲۰٪

مسکونی با تراکم متوسط = ۵۰٪ اداری = ۵۰٪

مسکونی با تراکم ویژه = ۷۰٪ صنعتی و مشاغل مزاحم شهری = ۱۰۰٪

کشاورزی و باغات = ۱۰٪ سایر موارد = ۲۰٪

۷/۲: برای محاسبه عوارض تفکیک عرصه و اعیان (تبدیل واحد) املاک غیرمجاز:

تبصره ۱: با توجه به تبصره ۳ قانون اصلاح ماده ۱۰۱ شهرداریها که در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و مطابق آن شهرداری می‌تواند برای تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی در اراضی با مساحت بیشتر از پانصد مترمربع دارای سند ششدانگ تا سقف بیست و پنج درصد (۲۵٪) از باقیمانده اراضی را در اثر تفکیک و افراز دریافت نماید یا قدرالسهم مذکور را بر اساس قیمت روز طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت نماید.

لذا در راستای لایحه و مجوز این شهرداری در خصوص صدور پروانه بر روی املاک با سند عادی (قولنامه‌ای)، همچنین عرصه بناهای مطروحه در کمیسیونهای ماده صد قانون شهرداریها و ماده ۱۴۷ اصلاحی ثبت که به صورت غیرمجاز تفکیک عرصه نموده‌اند جهت جلوگیری از اتلاف وقت و تحمیل هزینه کارشناسی معادل نسبی از برآورد کارشناسی با ضریب ارزش معاملاتی دفترچه دارایی به شرح فرمول ذیل محاسبه و وصول می‌گردد.

ضوابط تفکیک متناسب با نوع کاربری بر اساس دفترچه هادی یا جامع هر شهر توسط واحد فنی و شهرسازی شهرداریها تعیین می‌شود.

ب) مترائز حدنصاب تفکیک ضریب \times ارزش منطقه‌ای \times مساحت عرصه $\rightarrow S \times P \times K$

زیرحدنصاب تفکیک ضریب \times ارزش منطقه‌ای \times مساحت عرصه $\rightarrow S \times P \times 2K$

«د» بند ۱۲: عوارض ابقای ساختمان در سال ۱۳۹۱:

ب: در کاربری غیرمربوط علاوه بر جرایم، معادل ۱/۵ برابر عوارض احداث بنا مشابه عوارض صدور پروانه ساخت

د: در خصوص آن دسته از بناهای احداث شده قبل از تأسیس شهرداری که بنای غیرمجاز برابر آرای کمیسیون ماده ۹۹ و ۱۰۰ منجر به پرداخت جریمه شده‌اند، عوارض متعلقه به ماخذ ۱۰٪ مشابه عوارض صدور پروانه و تعرفه روز با در نظر گرفتن بند (الف و ب) وصول خواهد شد. «۱/۱۲/۱»: بناهای احداث شده قبل از تأسیس شهرداری در سال ۱۳۹۱:

این قبیل بناها که به صورت غیرمجاز احداث گردیده و پرونده آنها قابل طرح در کمیسیون ماده ۱۰۰ نمی‌باشد و ساکنین این قبیل اماکن همانند سایر شهروندان از مزایای شهروندی استفاده می‌نمایند. در صورت درخواست استعلام از شهرداری جهت بناهای قبل از سال ۱۳۶۶ معادل ۲۰٪ بعد از ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۵ زمان تأسیس شهرداری ۳۰٪ ارزش منطقه‌ای موضوع ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم مشابه عوارض صدور پروانه ساخت وصول خواهد شد. ملاک تشخیص قدمت بنا نقشه هوایی موجود در شهرداری با نظریه کارشناس رسمی دادگستری می‌باشد.»

«۲» ردیف (د) و (۱۲/۱) بند ۱۲: عوارض ابقای ساختمان در سال ۱۳۹۵:

د: در خصوص آن دسته از بناهای احداث شده قبل از تأسیس شهرداری که بنای غیرمجاز برابر آرای کمیسیون ماده ۹۹ و ۱۰۰ منجر به پرداخت جریمه شده‌اند، عوارض متعلقه به ماخذ ۱۰٪ مشابه عوارض صدور پروانه و تعرفه روز با در نظر گرفتن بند (الف و ب) وصول خواهد شد.

۱۲/۱: بناهای احداث شده قبل از تأسیس شهرداری:

این قبیل بناها که به صورت غیرمجاز احداث گردیده و پرونده آنها قابل طرح در کمیسیون ماده ۱۰۰ نمی‌باشد و ساکنین این قبیل اماکن همانند سایر شهروندان از مزایای شهروندی استفاده می‌نمایند. در صورت درخواست استعلام از شهرداری جهت بناهای قبل از سال ۱۳۶۶ معادل ۲۰٪ بعد از ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۵ زمان تأسیس شهرداری ۳۰٪ ارزش منطقه‌ای موضوع ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم مشابه عوارض صدور پروانه ساخت به روز وصول خواهد شد.

- ملاک تشخیص قدمت بنا نقشه هوایی موجود در شهرداری با نظریه کارشناس رسمی دادگستری می‌باشد.

- ملاک اثبات تجاری بودن ملک قبل از تأسیس شهرداری شامل حداقل دو مورد از موارد پروانه کسب اتحادیه صنفی و سایر مراجع ذیصلاح قبوض برقی - آب - گاز تجاری و برگ پرداخت مالیات سالیانه خواهد بود.»

«ه» بند ۱۳: عوارض حق النظاره مهندسین ناظر در سال ۱۳۹۱:

در هنگام صدور پروانه ساختمانی برای تهیه نقشه و نظارت مهندسین ناظر ساختمانی به ماخذ ۵۰٪ از کل هزینه تهیه نقشه و حق النظاره از مهندسین مرتبط اخذ می‌شود. «بند ۱۳: عوارض حق النظاره مهندسین ناظر در سال ۱۳۹۵:

در هنگام صدور پروانه ساختمانی برای تهیه نقشه و نظارت مهندسین ناظر ساختمانی به ماخذ ۵۰٪ از کل هزینه تهیه نقشه و حق النظاره از مهندسین مرتبط اخذ می‌شود. «و» بند ۱۶: عوارض فضای سبز در سال ۱۳۹۱:

به منظور حفظ و تأمین فضای سبز شهری در هنگام صدور پروانه ساختمانی برای اراضی با کاربریهای مختلف اعم از مسکونی - تجاری - صنعتی - اداری و سایر برای وصول عوارض از مالکین یا متقاضیان صدور پروانه به شرح ذیل اخذ می‌شود.

۱۶/۱: نرخ پیشنهادی برای اراضی با کاربری مسکونی (بر اساس طرح مصوب توسعه شهری)

$$H = F \times D \times (A:B) \times 25\%$$

A: مترمتر کل بنای صادره (بنای مفید و غیرمفید)

B: عدد ثابت ۲۰ مترمربع عنوان متوسط سرانه مسکونی برای شهرهای استان تهران
D: سرانه پیش‌بینی شده فضای سبز در طرح مصوب توسعه شهر (طرح هادی) برای شهر عدد ثابت ۸ می‌باشد.

F: حداقل هزینه ایجاد یک مترمربع فضای سبز در شهرها ۳۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته می‌شود.

H: مبلغی است که متقاضی بابت توسعه فضای سبز در هنگام دریافت پروانه ساختمانی می‌بایستی پرداخت نماید.

تبصره ۱: نرخ پیشنهادی برای اراضی غیرمسکونی که در اثر رای کمیسیونهای مختلف از قبیل مغایرتهای اساسی، غیراساسی و ماده ۵ که به کاربری مسکونی تغییر یافته و یا بر اثر ساخت و ساز غیرمجاز طی کمیسیون ماده ۱۰۰ منجر به صدور رای جریمه گردیده است، در موارد فوق در فرمول به جای پارامتر D عدد ۱۵ که سرانه پیش‌بینی شده برای شهرهای استان می‌باشد در فرمول جایگزین می‌گردد. برای نمونه در شهری که در طرح هادی مصوب شهر سرانه فضای سبز پیش‌بینی شده ۳ مترمربع می‌باشد به جای پارامتر D عدد ۳ جایگزین می‌گردد ولی در صورتی که موضوع شامل رای تأیید شده کمیسیونهای اعلامی در بند فوق باشد به جای پارامتر D عدد ثابت ۱۵ در نظر گرفته شود.

تبصره ۲: در مواردی که پروانه احداث تجاری از طرف شهرداری موافقت می‌گردد با توجه به معضلات واحدهای تجاری حداکثر مترمتر سرانه ۱۵ مترمربع به عنوان پارامتر D در فرمول اعلام شده در نظر گرفته می‌شود و در صورتی که بنا تجاری احداث شده غیرمجاز باشد بعد از رای کمیسیونهای مربوطه حاصل فرمول با ضریب ۲ اعمال گردد.

۱۶/۲- عوارض حذف ۱۰٪ احداث فضای سبز مسکونی و تجاری:

مالکین احداث بنای مسکونی و تجاری مکلف به اختصاص ۱۰٪ عرصه به فضای سبز می‌باشند در صورتی که مالک بعد از احداث بنا عرصه مورد نظر به فضای سبز را اجراء و تبدیل ننماید برای یکبار به شرح فرمول مشمول پرداخت جریمه می‌باشند.

$$A = 10\% S(M + N + 2P)$$

M: عدد ثابت هزینه اجرای فضای سبز در یک مترمربع برای کلیه شهرهای استان تهران ۵۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است.

N: عدد ثابت هزینه نگهداری دو سال یک متر فضای سبز که برای کلیه شهرهای استان تهران ۵۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است

S: مساحت عرصه کل پلاک می‌باشد.

P: عدد متغیر که همان ارزش منطقه‌ای آن شهر می‌باشد.

A: مبلغ قابل وصول می‌باشد.

۱۶/۳ - عوارض حذف ۲۵٪ عرصه کارخانجات و کارگاههای صنعتی به امر فضای سبز:

متقاضیان اخذ پروانه ساخت کارخانجات و کارگاههای صنعتی مکلفند در زمان تهیه نقشه احداث بنا، اختصاص ۲۵٪ عرصه را برای فضای سبز در نقشه مشخص کنند. در صورتی که کارخانجات نسبت به تعهد خود در حد ۲۵٪ عرصه برابر نقشه عمل و اجرا ننمایند، برای یکبار به شرح ذیل محاسبه می‌گردد.

$$A = 25\% S(M + N + 2P)$$

M: عدد ثابت هزینه اجرای فضای سبز در یک مترمربع برای کلیه شهرهای استان تهران ۵۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است.

N: عدد ثابت هزینه نگهداری دو سال یک متر فضای سبز که برای کلیه شهرهای استان تهران ۵۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است

S: مساحت عرصه کل پلاک می‌باشد.

P: بالاترین ارزش منطقه‌ای آن شهر می‌باشد.

A: مبلغ قابل وصول می‌باشد.

تبصره: عوارض و جرایم مربوط به بند ۱۶/۳ به کلیه کارخانجات و کارگاههای احداث شده بعد از سال ۱۳۸۲ تسری داشته و شهرداری باید محاسبه و وصول نماید.

لازم به توضیح است پارامتر ثابت $B = 15$ در خصوص بناهای کارگاهی و تجاری از مجموع کلیه سرانه کاربریهای (تجاری - آموزشی - فرهنگی و مذهبی - درمانی و بهداشتی - اداری و انتظامی - تفریحی ورزشی - کارگاهی - حمل و نقل و انبار) بر اساس دفترچه طرح هادی استخراج گردیده است.»

«بند ۱۶: عوارض فضای سبز در سال ۱۳۹۵:

به منظور حفظ و تأمین فضای سبز شهری در هنگام صدور پروانه ساختمانی برای اراضی با کاربریهای مختلف اعم از

مسکونی - تجاری - صنعتی - اداری و سایر برای وصول عوارض از مالکین یا متقاضیان صدور پروانه به شرح ذیل اخذ می‌شود.

۱۶/۱: نرخ پیشنهادی برای اراضی با کاربری مسکونی (بر اساس طرح مصوب توسعه شهری)

$$H = F \times D \times (A:B) \times 25\%$$

A: مترمتر کل بنای صادره (بنای مفید و غیرمفید)

ردیف	طبقات	تجاری	اداری	توضیحات
۱	همکف	$14p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	$8p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	L = طول دهنه به متر
۲	زیرزمین	$8p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	$7p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	$L1$ = طول دهنه مجاز به متر
۳	اول	$7p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	$6p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	h = طول ارتفاع به متر
۴	دوم	$6p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	$5p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	$h1$ = طول ارتفاع مجاز به متر
۵	سوم به بالا	$5p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	$3p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	
۶	انباری	$3p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	$3p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	نکته دهنه و ارتفاع کمتر از ضوابط مجاز ملاک عمل نخواهد بود و عیناً مطلق جدول ۱۹ محاسبه می‌شود
۷	نیم طبقه	$3p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	$3p(1 + \frac{l-l1}{10} + \frac{h-h1}{10})$	

«ح» بند ۶ عوارض دیوارکشی:

در هنگام صدور پروانه احداث دیوار برای اراضی با کاربریهای مختلف شهرداری می‌بایست از روش ذیل نسبت به محاسبه عوارض متعلقه اقدام نماید. $L \times P \times h \times k$

در فرمول مذکور: k = ضریب املاک با کاربریهای مختلف
 L = طول دیوارکشی

h = ارتفاع دیوار با هر نوع مصالح به جزء فنس و سیم خاردار
 p = قیمت منطقه بندی زمین مورد نظر

ضریب k برای اراضی با کاربری مسکونی، تجاری، صنعتی و مشاغل مزاحم شهری و اداری دو (۴) و برای سایر کاربریهای ضریب یک (۲) و برای حریم شهر و حوزه استحفاظی سه (۶) اعمال می‌شود.

تبصره ۱: در خصوص صدور پروانه فنس بدون پایه با در نظر گرفتن فرمول فوق با ارتفاع یک متر محاسبه و وصول خواهد شد.

تبصره ۲: عوارض دیوارکشی صرفاً به آن قسمت از عرصه که نیاز به احداث دیوار دارد تعلق می‌گیرد.

تبصره ۳: صدور مجوز دیوارکشی و اخذ عوارض مربوطه صرفاً در مواردی که با ضوابط شهرسازی مغایرت نداشته باشد و یا کمیسیونهای مقرر در قانون با مورد فوق موافقت نموده باشند امکان پذیر است.»

«ط» بند ۸ عوارض پیش آمدگی‌ها به معابر و خیابانهای شهر:

برای محاسبه عوارض ابنیه‌ای که با رعایت ضوابط شهرسازی علی‌الخصوص ارتفاع مناسب از سطح معبر یا خیابان به طرف فضای بیرون از ملک پیش آمدگی دارند، از فرمول ذیل استفاده می‌شود:

برای بناهای مسکونی مفید پنج برابر قیمت منطقه‌ای $\leftarrow S \times P \times 5$ به ازای هر مترمربع «ی» بند ۱۰ عوارض ایمنی ساختمانها:

به منظور افزایش امکانات ایمنی و سیستم آتش نشانی و به لحاظ ایجاد ایمنی لازم برای ساختمانها در موقع صدور پروانه برای یک بار عوارض آتش نشانی از مالک به ماخذ ۳٪ از کل عوارض صدور پروانه دریافت و فقط به مصرف گسترش و توسعه ایستگاههای آتش نشانی و امکانات آن می‌شود.»

«ک» بند ۱۲ عوارض ابقای ساختمانها به استثناء ردیف (ب) و (د) سال ۱۳۹۱:

نظر به اینکه برابر آرای دیوان عدالت اداری جریمه و عوارض دو مقوله جداگانه بوده و اخذ جریمه به منظور تخلفی است که توسط اشخاص صورت می‌گیرد و میزان آن توسط کمیسیون ماده ۱۰۰ تعیین می‌شود و عوارض حقوق قانونی شهرداری بوده که در صورت ابقاء بنا قابل وصول می‌باشد لذا عوارض بعد از کمیسیون به شرح ذیل تعیین می‌گردد.

الف: در کاربری مربوطه علاوه بر جرایم، معادل ۸۰ درصد عوارض روز احداث بنا مشابه عوارض صدور پروانه ساخت

ب:

ج: در خصوص آن دسته از املاکی که قبل از سال ۱۳۸۱ (سال ابلاغ طرح هادی کمال شهر) احداث شده‌اند عوارض ابقای به ماخذ ۶۰٪ مشابه عوارض صدور پروانه و تعرفه روز با در نظر گرفتن بند (الف و ب) وصول خواهد شد.

B : عدد ثابت ۲۰ متر مربع عنوان متوسط سرانه مسکونی برای شهرهای استان البرز
 D : سرانه پیش‌بینی شده فضای سبز در طرح مصوب توسعه شهر (طرح هادی) برای شهر کمال شهر عدد ثابت ۸ می‌باشد.

F : حداقل هزینه ایجاد یک مترمربع فضای سبز در شهرها ۷۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته می‌شود.
 H : مبلغی است که متقاضی بابت توسعه فضای سبز در هنگام دریافت پروانه ساختمانی می‌بایستی پرداخت نماید.

تبصره ۱: نرخ پیشنهادی برای اراضی غیرمسکونی که در اثر رای کمیسیونهای مختلف از قبیل مغایرتهای اساسی، غیراساسی و ماده ۵ که به کاربری مسکونی تغییر یافته و یا بر اثر ساخت و ساز غیرمجاز طی کمیسیون ماده ۱۰۰ منجر به صدور رأی جریمه گردیده است، در موارد فوق در فرمول به جای پارامتر D عدد ۱۵ که سرانه پیش‌بینی شده برای شهرهای استان می‌باشد در فرمول جایگزین می‌گردد. برای نمونه در شهری که در طرح هادی مصوب شهر سرانه فضای سبز پیش‌بینی شده ۳ مترمربع می‌باشد به جای پارامتر D عدد ۳ جایگزین می‌گردد ولی در صورتی که موضوع شامل رأی تأیید شده کمیسیونهای اعلامی در بند فوق باشد به جای پارامتر D عدد ثابت ۱۵ در نظر گرفته شود.

تبصره ۲: در مواردی که پروانه احداث تجاری از طرف شهرداری موافقت می‌گردد با توجه به معضلات واحدهای تجاری حداکثر متراژ سرانه ۱۵ مترمربع به عنوان پارامتر D در فرمول اعلام شده در نظر گرفته می‌شود و در صورتی که بنا تجاری احداث شده غیرمجاز باشد بعد از رأی کمیسیونهای مربوطه حاصل فرمول با ضریب ۲ اعمال گردد.

۱۶/۲- عوارض حذف ۱۰٪ احداث فضای سبز مسکونی و تجاری:

مالکین احداث بنای مسکونی و تجاری مکلف به اختصاص ۱۰٪ عرصه به فضای سبز می‌باشند در صورتی که مالک بعد از احداث بنا عرصه مورد نظر به فضای سبز را اجراء و تبدیل ننماید برای یکبار به شرح فرمول مشمول پرداخت جریمه می‌باشند.

$$A = 10\% S (M + N + 2P)$$

M : عدد ثابت هزینه اجرای فضای سبز در یک مترمربع برای کلیه شهرهای استان البرز ۷۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است.

N : عدد ثابت هزینه نگهداری دو سال یک متر فضای سبز که برای کلیه شهرهای استان البرز ۷۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است

S : مساحت عرصه کل پلاک می‌باشد.

P : عدد متغیر که همان ارزش منطقه‌ای آن شهر می‌باشد.

A : مبلغ قابل وصول می‌باشد.

۱۶/۳- عوارض حذف ۲۵٪ عرصه کارخانجات و کارگاههای صنعتی به امر فضای سبز:

متقاضیان اخذ پروانه ساخت کارخانجات و کارگاههای صنعتی مکلفند در زمان تهیه نقشه احداث بنا، اختصاص ۲۵٪ عرصه را برای فضای سبز در نقشه مشخص کنند. در صورتی که کارخانجات نسبت به تعهد خود در حد ۲۵٪ عرصه برابر نقشه عمل و اجرا ننمایند، برای یکبار به شرح ذیل محاسبه می‌گردد.

$$A = 25\% S (M + N + 2P)$$

M : عدد ثابت هزینه اجرای فضای سبز در یک مترمربع برای کلیه شهرهای استان البرز ۷۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است.

N : عدد ثابت هزینه نگهداری دو سال یک متر فضای سبز که برای کلیه شهرهای استان البرز ۷۰۰۰۰ ریال در نظر گرفته شده است

S : مساحت عرصه کل پلاک می‌باشد.

P : بالاترین ارزش منطقه‌ای آن شهر می‌باشد.

A : مبلغ قابل وصول می‌باشد.

تبصره: عوارض و جرایم مربوط به بند ۱۶/۳ به کلیه کارخانجات و کارگاههایی که بعد از دریافت عدم خلاف یا پایان کار نسبت به تغییراتی در بناهای احداث شده قبلی (بعد از سال ۱۳۸۲) اقدام نموده‌اند تسری داشته و شهرداری باید نسبت به محاسبه و وصول آن اقدام نماید. لازم به توضیح است پارامتر ثابت $D = 15$ در خصوص بناهای کارگاهی و تجاری از مجموع کلیه سرانه کاربریهای (تجاری - آموزشی - فرهنگی و مذهبی - درمانی و بهداشتی - اداری و انتظامی - تفریحی ورزشی - کارگاهی - حمل و نقل و انبار) بر اساس دفترچه طرح هادی ... استخراج گردیده است.»

«ز» ردیف ۱/۱۰: الف بند ۱ عوارض پذیره یک مترمربع از واحدهای (تجاری، اداری):

۱/۱۰: الف - عوارض پذیره یک مترمربع از واحدهای (تجاری، اداری) با ارتفاع و دهنه مغایر با ضوابط مجاز اعلام شده توسط طرح شهری:

د:»

(ل) ۱۲/۱: بناهای احداث شده قبل از تأسیس شهرداری در سال ۱۳۹۱:

این قبیل بناها که به صورت غیرمجاز احداث گردیده و پرونده آنها قابل طرح در کمیسیون ماده ۱۰۰ نمی‌باشد و ساکنین این قبیل اماکن همانند سایر شهروندان از مزایای شهروندی استفاده می‌نمایند در صورت درخواست استعلام از شهرداری جهت بناهای قبل از سال ۱۳۶۶ معادل ۲۰٪ بعد از ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۵ زمان تأسیس شهرداری ۳۰٪ ارزش منطقه‌ای موضوع ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم مشابه عوارض صدور پروانه ساخت وصول خواهد شد. ملاک تشخیص قدمت بنا نقشه هوایی موجود در شهرداری یا نظریه کارشناس رسمی دادگستری می‌باشد.»

(ل) ۱۲/۱: بناهای احداث شده قبل از تأسیس شهرداری در سال ۱۳۹۵:

این قبیل بناها که به صورت غیرمجاز احداث گردیده و پرونده آنها قابل طرح در کمیسیون ماده ۱۰۰ نمی‌باشد و ساکنین این قبیل اماکن همانند سایر شهروندان از مزایای شهروندی استفاده می‌نمایند در صورت درخواست استعلام از شهرداری جهت بناهای قبل از سال ۱۳۶۶ معادل ۲۰٪ بعد از ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۵ زمان تأسیس شهرداری ۳۰٪ ارزش منطقه‌ای موضوع ماده ۶۴ قانون مالیاتهای مستقیم مشابه عوارض صدور پروانه ساخت به روز وصول خواهد شد.

ملاک تشخیص قدمت بنا نقشه هوایی موجود در شهرداری یا نظریه کارشناس رسمی دادگستری می‌باشد.

ملاک اثبات تجاری بودن ملک قبل از تأسیس شهرداری شامل حداقل دو مورد از موارد پروانه کسب اتحادیه صنفی و یا سایر مراجع ذیصلاح قبوض برقی - آب - گاز تجاری و برگ پرداخت مالیات سالیانه خواهد بود.»

(م) ۷/۳: تفکیک اعیانی غیرمجاز (تبدیل واحد یا اضافه واحد) در سال ۱۳۹۱:

در صورتی که کمیسیون ماده ۱۰۰ وارد رسیدگی و جریمه نشده باشد جهت مسکونی ۱/۲ و تجاری ۲ برابر آخرین ارزش معاملاتی موضوع تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری پس از کسر واحد بزرگتر اعمال خواهد شد.»

(م) ۷/۳: تفکیک اعیانی غیرمجاز (تبدیل یا اضافه واحد) در سال ۱۳۹۵:

در صورتی که کمیسیون ماده ۱۰۰ وارد رسیدگی و جریمه نشده باشد جهت مسکونی ۲ و تجاری ۴ برابر آخرین ارزش معاملاتی موضوع تبصره ۱۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری پس از کسر واحد بزرگتر اعمال خواهد شد.»

(ه) ردیف ۳ قسمت توضیحات بند ۱ در سال ۱۳۹۵:

۳- با توجه به دادنامه شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۳/۱۱/۲۵ و همچنین دادنامه شماره ۴۸ - ۱۳۸۵/۲/۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پس از وصول جرایم ساختمانی به زمان وقوع تخلف عوارض متعلقه به نرخ روز محاسبه و وصول خواهد شد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی کمال شهر به موجب لایحه شماره ۹۷/۵۳/۲۳۶ - ۱۳۹۷/۲/۱۱ توضیح داده است که:

«مدیریت محترم دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام

احتراماً در ارتباط با نامه شماره ۸۸۲/۹۶ - ۱۳۹۶/۱۱/۲۳ موضوع پرونده شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۵۹۲ در خصوص دادخواست آقای محمدعلی جمشیدی پنجگی به‌خواسته‌های ابطال عوارض شهرداری کمال شهر مصوب ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ در قسمت:

۱- اخذ عوارض بعد از کمیسیون به جهت مغایرت با قانون و خروج از اختیارات
۲- اخذ عوارض تفکیک عرصه و اعیان به جهت مغایرت با قانون و خروج از اختیارات به استحضار می‌رساند.

همچنان که اعضای هیأت عمومی از عنایت به مفاد اعتراض شاکی ملاحظه می‌فرمایند عمده استدلال و استنادات شاکی به مقررات کلی ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی که اخذ هرگونه وجه خارج از چارچوب قانونی را توسط ارگانها از جمله شهرداری ممنوع اعلام نموده است می‌باشد، در حالی که بر پایه مراتب همچنان که قضات استحضار دارند ممنوعیت اخذ وجه توسط شهرداری مشروط به خروج از چارچوب قانونی است. لذا از آنجا که عوارض موضوع شکایت مستنداً به مصوبه شورا اخذ و دریافت می‌گردد لذا شرط خروج از قانون استنادی شاکی محقق نشده است و نتیجتاً مشروط بر ممنوع نمی‌باشد. علیهذا با عنایت به مراتب رسیدگی و رد شکایت شاکی مورد استدعا می‌باشد.»

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و هیأت

مذکور در خصوص خواسته شاکی، ردیف ۱/۱۰: الف بند ۱ عوارض پذیره یک مترمربع از واحدهای (تجاری، اداری)، بند ۶ عوارض دیوارکشی، بند ۸ عوارض پیش آمدگی به معابر و خیابانهای شهر، بند ۱۰ عوارض ایمنی ساختمانها، بند ۱۲ عوارض ابقای ساختمان به استثناء (ردیف ب) سال ۱۳۹۱، (د) و (۱۲/۱) در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵، ردیف ۷/۳ بند ۷ تفکیک اعیانی غیرمجاز (تبدیل واحد یا اضافه واحد) در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ و همچنین ردیف ۳ قسمت توضیحات بند ۱ سال ۱۳۹۵ از مصوبات شورای اسلامی شهر کمال شهر را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات ندانسته است و به استناد مواد ۱۲ و ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه شماره ۳۳۷ - ۱۳۹۷/۱۰/۱۹ رأی به رد شکایت شاکی صادر کرده است. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعی یافته است.

رسیدگی به سایر بندها در دستور کار هیأت عمومی دیوان عدالت اداری قرار گرفت. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

۱- با توجه به اینکه در بند ۳ مصوبه مورد شکایت قید شده عوارض مذکور در هنگام پیشنهاد برای تصویب در کمیته فنی طرحهای هادی یا کمیسیون ماده ۵ قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران اخذ می‌شود، هر چند اصل اخذ عوارض مزاد بر تراکم قانونی است، لیکن وضع عوارض مزاد بر تراکم مجاز مشروط به پرداخت قبل از ارسال به مراجع ذیصلاح، مغایر با موازین قانونی است. بنابراین بند ۳ تعرفه عوارض سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر کمال شهر مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

۲- با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض کسری، حذف یا عدم تأمین پارکینگ در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین بند ۵ تعرفه عوارض سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر کمال شهر در مورد عوارض حذف پارکینگ به دلایل مندرج در رأی شماره ۹۷ الی ۱۰۰ - ۱۳۹۲/۲/۱۶ و رأی شماره ۵۷۳ - ۱۳۹۶/۶/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی وضع شده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

۳- با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای تفکیک اعیانی ساختمانها در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین بند ۷ تعرفه عوارض سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر کمال شهر مبنی بر تعیین عوارض تفکیک عرصه و اعیان در کاربریهای مختلف به استثناء ردیف ۷/۳ به دلایل مندرج در رأی شماره ۳۱۵ - ۱۳۹۶/۴/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

۴- با توجه به اینکه در بند (ب) ماده ۱۲ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۱ شورای اسلامی شهر کمال شهر علاوه بر جرایم کمیسیون ماده ۱۰۰، معادل ۱/۵ برابر عوارض احداث بنا مشابه عوارض صدور پروانه ساخت تصویب شده است، وضع عوارض معادل ۱/۵ برابر بیش از عوارض قانونی از مصادیق وضع عوارض مضاعف بوده که آراء شماره ۱۰۳۰ - ۱۳۹۶/۲/۱۲، ۳۲۷ - ۱۳۹۷/۲/۲۵ و ۳۱ - ۱۳۹۷/۱/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز مؤید این معنی و مفهوم می‌باشد. لذا اخذ عوارض مشابه خارج از حدود اختیارات قانونی و خلاف قانون و مغایر با آراء هیأت عمومی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

۵- مطابق ماده ۴ قانون مدنی اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد. نظر به اینکه مقررات بند (د) ردیف ۱۲ و ۱۲/۱ تعرفه عوارض سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر کمال شهر مبنی بر تعیین عوارض ابقای ساختمان اخذ مبالغی مشابه و عوارض صدور پروانه ساخت به نرخ روز نسبت به بناهایی که قبل از تأسیس شهرداری احداث شده است نسبت به گذشته عطف شده، از این حیث خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورای

(اصلاحی ۱۳۶۷/۱/۲۳) با نقض ضوابط و مقررات قانونی و اسناد بالادستی اقدام به تهیه و تصویب آیین‌نامه‌ای تحت عنوان «آخرین نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات دوره پزشکی و دارویی و مواد خوراکی مصوب ۱۳۶۷» در مورخ ۱۳۹۶/۲/۳ نموده و در اقدامی عجولانه و بدون اینکه آیین‌نامه مذکور را به طریق قانونی ابلاغ نماید در سایت وزارتخانه اطلاعیه‌ای در خصوص فراخوان پذیرش دوره تکمیلی علوم آزمایشگاهی منتشر نموده است. از آنجا که آیین‌نامه تصویبی بنا به دلایل و مستندات آن که به شرح آتی اعلام می‌گردد، مغایر با ضوابط قانونی می‌باشد و به تبع آن تعداد زیادی از کسانی که وفق فراخوان منتشره اقدام به ثبت نام نموده‌اند، فاقد صلاحیت علمی و تخصصی هستند و برگزاری امتحان موضوع فراخوان موجب ورود افرادی با تخصصهای غیرمرتبط به عرصه سلامت جامعه می‌گردد و سلامتی شهروندان را به طور جدی با خطر غیرقابل جبران مواجه می‌نماید از طرف دیگر موجب دلسردی پزشکان جوان برای ادامه تحصیل در رشته بسیار مشکل پاتولوژی می‌گردد، لذا بدو تقاضای صدور دستور موقت دائر بر جلوگیری از اجرای آیین‌نامه مورد اعتراض و جلوگیری از ثبت نام و برگزاری امتحان و سپس ابطال آیین‌نامه مورد اعتراض را دارد.

بخش اول: دلایل مؤید تقاضای صدور دستور موقت:

بنا به شرح آتی اجرای این آیین‌نامه و برگزاری امتحان موجب ورود افراد غیرپزشک و فاقد مدرک طب عمومی به عرصه مهم و حیاتی تخصص بالینی پزشکی می‌شود و به‌عنوان مثال باعث می‌شود کسی که دارای کارشناسی و کارشناسی ارشد حشره شناسی و پی اچ دی ایمونولوژی هست ظرف مدت ۲ سال تمام حیطه‌های آزمایشگاهی از جمله خون شناسی، انگل شناسی، میکروب شناسی و بیوشیمی را آموزش ببیند و آزمایشگاه که محل تشخیص بیماریهای انسان است را اداره نماید. بدون شک و تردید موجب افت شدید کیفیت آزمایش و افزایش تجویزهای اشتباه در حوزه‌های مختلف پزشکی و اختلاف در روند ارتباط موثر کلینیک و پاراکلینیک تشخیص و درمان شده و از این رهگذر سلامتی و جان مردم به خطر خواهد افتاد. این موضوع مورد تأیید تمامی انجمنهای تخصصی و سازمانهای نظام پزشکی سراسر کشور و همچنین کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز می‌باشد که طی مکاتبات عدیده از وزیر خواسته‌اند اجرای آن را متوقف کنند مضافاً اینکه فراخوان برگزاری امتحان موجب دلسردی کلیه رزیدنتهای پاتولوژی کشور (۳۵۰ نفر) به خاطر ورود غیرپزشک به عرصه مسئولیت فنی آزمایشگاه تشخیص طبی شده است و ادامه این روند موجب تقلیل تقاضا برای ادامه تحصیل در رشته بسیار سخت و حساس پاتولوژی و نتیجتاً کاهش متخصص در این بخش خواهد شد. لذا مستفاد از ماده ۳۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی عدالت اداری بدو تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از اجرای آیین‌نامه معترض‌عنه و همچنین جلوگیری از برگزاری امتحان مورد تقاضاست.

بخش دوم: مقدمه و شرح ماوقع:

الف - استانداردهای بین‌المللی در زمینه تصدی مسئول فنی در آزمایشگاههای تشخیص طبی:

مطابق استانداردهای بین‌المللی از جمله CLIA و CAP که در نظام آموزشی، درمانی و بهداشتی کشور نیز مبنای عمل می‌باشد صرفاً پزشکان متخصص رشته پاتولوژی هستند که واجد صلاحیت برای تصدی مسئول آزمایشگاههای تشخیص طبی می‌باشند. این اشخاص پس از گذراندن دوره هفت ساله پزشکی عمومی، گذراندن دوره طرح نیروی انسانی به مدت ۲ سال، شرکت در آزمون کشوری دستیاری و قبولی و گذراندن دوره ۴ ساله دستیاری تخصصی و قبولی در امتحانات دشوار ارتقای سالانه و نهایتاً گذراندن دوره طرح تخصصی نیروی انسانی در مناطق محروم اجازه می‌یابند به عنوان مسئول فنی آزمایشگاههای تشخیص طبی مشغول به کار شوند. متصدی فنی بایستی لزوماً از علم پزشکی، آناتومی و پاتوفیزیولوژی بدن انسان، انواع بیماریها، بالین بیمار، ارزیابی صحت آزمایشات و تطابق آنها با بالین بیمار، تشخیص بیماریها و نحوه درمان آنها اطلاعات کافی و وافی داشته باشد زیرا اطلاعات مذکور جهت حصول جواب صحیح آزمایشات ضروری است و نقش کلینیکال پاتولوژیست بررسی جواب آزمایشات و ارزیابی و تطابق آنها با هم و با بالین بیمار است تا چنانچه اشتباهاتی در مراحل مختلف آزمایشات روی دهد به موقع تشخیص داده شود و در گام بعدی با تعیین منابع خطا و برطرف کردن آن و تکرار آزمایشات، اطلاعات واقعی از وضعیت بیمار در اختیار پزشک معالج قرار داده شود و بدین وسیله از صدور تجویزهای اشتباه جلوگیری به عمل آید.

ب - تصویب قانون مبنی بر تجویز تصدی فنی آزمایشگاه توسط غیرپاتولوژیست و علل آن:

اسلامی شهر وضع شده است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

۶ - با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض حق النظاره برای مهندسين ناظر و غيره در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین بند ۱۳ مصوبه شورای اسلامی شهر کمال شهر مبنی بر وضع عوارض به میزان نیم درصد از کل هزینه تهیه نقشه و حق النظاره از مهندسين مرتبط از تعرفه عوارض سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ به دلایل مندرج در رأی شماره ۱۲۲۹ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

۷ - هرچند در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی، تعیین نوع و میزان عوارض از اختیارات شوراهای اسلامی ذکر شده است، لکن طبق بند الف ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۹۰ به عنوان یک سیاست کلی، کاهش نرخ عوارض صدور پروانه ساختمانی را در کاربریهای مختلف مورد تأکید قرار داده است و این در حالی است که شورای اسلامی شهر کمال شهر هنگام صدور پروانه ساختمانی عوارضی تحت عنوان عوارض فضای سبز شهری نیز به آن افزوده است. از سوی دیگر در قوانین مرتبط با فضای سبز از جمله قانون گسترش فضای سبز شهرها و اصلاحیه‌های بعدی آن، عوارض فضای سبز شهری پیش‌بینی نشده است و آراء شماره ۷۴۶ - ۱۳۹۶/۸/۹ و ۱۱۵۳ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز مؤید این مطلب است. بنابراین بند ۱۶ تعرفه عوارض سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر کمال شهر مبنی بر عوارض فضای سبز خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص می‌شود و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۶۰۰۷۶۸

۱۳۹۸/۳/۱۳

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه‌های ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۰۴ الی ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۱۰۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۷ با موضوع: «ابطال بندهای ۳- ۵ و ۳ آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۶۷» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۷/۱۲/۷ شماره دادنامه: ۲۱۰۴ الی ۲۱۰۷

شماره پرونده: ۱۳۱/۹۶، ۱۱۳۰/۹۶، ۷۶۸/۹۶، ۷۶۶/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: خانم نسیم فروزنده شهرکی، طنز سرمدی، فاطمه صبوری و فرزانه دانشور به وکالت از آقای احمد منبئی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بندهای ۳- ۵ و ۳ از آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۶۷

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواست‌هایی با مضمون واحد ابطال بندهای ۳- ۵ و ۳ از آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۶۷ را خواستار شده و اعلام کرده‌اند که: «ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اخیراً مستند به تبصره ۲ ماده ۶ قانون مربوط به مقررات پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی

خوراکی مصوب سال ۱۳۶۷، مؤید این است که واگذاری تصدی امور فنی به غیرپزشکان متخصص پاتولوژی غیرمنطقی و غیرصحیح و غیرعلمی و معقول می‌باشد.

و - لازم به توضیح است که مطابق مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس مندرج در صفحه ۲۵ روزنامه رسمی شماره ۱۲۵۹۷ به لزوم پزشک بودن متصدی آزمایشگاه تأکید شده است.

بخش سوم: دلایل و مستندات تعارض آیین‌نامه معترض‌عنه:

الف - مغایرت با بند ۲-۸ سیاستهای کلی نظام در بخش سلامت ابلاغی مقام معظم رهبری:

مطابق بند مزبور افزایش کیفیت و ایمنی خدمات و مراقبتهای سلامت با استقرار و ترویج نظام حاکمیت بالینی و تعیین استانداردها به عنوان یک سیاست مهم در بخش سلامت مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. حال آن که آیین‌نامه معترض‌عنه با توجه به توضیحات مندرج در بخش مقدمه (به ویژه بند الف) برخلاف استانداردهای پذیرفته شده می‌باشد و به شدت کیفیت و ایمنی خدمات پزشکی را کاهش داده و سلامتی شهروندان را در معرض خطر جدی قرار داده است. زیرا موجب ورود افراد غیرپزشک و فاقد مدرک طب عمومی به عرصه مهم و حیاتی تخصص بالینی پزشکی می‌شود و علاوه بر ایجاد بی‌عدالتی آموزشی و با ایجاد راه میانبر برای تبدیل پی‌اچ‌دی تک رشته‌ای به کلینیکال پاتولوژی و ورود انبوهی از افراد فاقد پشتوانه علمی کافی، انگیزه پزشکان جوان برای انتخاب و ادامه تحصیل در رشته پاتولوژی به شدت کاهش یافته و عملاً منجر به افت شدید کیفیت و در نهایت نابودی این رشته بنیادی خواهد شد. به علاوه باعث اختلال در روند ارتباط موثر کلینیک و پاراکلینیک تشخیص و درمان شده و در صورت اجرا ضمن سلب اعتماد پزشکان به نتایج آزمایشات موجب انحراف مسیر درمان خواهد شد. شایان ذکر است در سال ۱۳۶۷ در اجرای آیین‌نامه اجرایی مذکور، گروهی از پی‌اچ‌دی‌های تک رشته‌ای علوم پایه در زمان وزارت دکتر فرهادی در آزمون تخصصی زیر نظر بورد پاتولوژی شرکت کردند و پس از برگزاری سه دوره امتحان صرفاً یک نفره قبولی را اخذ نمود و با چنین نتیجه‌ای از آن زمان تا اتمام دوره وزارت خانم دکتر وحید دستجردی اجرای تبصره مذکور متوقف شده بود.

ب - رفع موجبات موضوع حکم تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون:

همان طور که در مقدمه توضیح داده شد حکم تبصره یاد شده به منظور رفع نیاز حاد و فوری کشور به متصدی فنی آزمایشگاه در آن مقطع زمانی بوده و در حال حاضر بنا به توضیحات ارائه شده در قسمت (د) بخش اول به اندازه کافی پزشکان متخصص پاتولوژی در کشور وجود دارد و نیازی به استفاده از راه حل خلاف اصول پذیرفته شده بین‌المللی در این بخش نمی‌باشد و چنانچه نیازی هم در این بخش وجود داشته باشد، حاد و فوری نیست و وزارت بهداشت با بایستی با استفاده از حکم مندرج در بند (ت) ماده ۷۴ قانون برنامه ششم توسعه ظرفیت تربیت پزشکان متخصص پاتولوژی را افزایش دهد. علیهذا نیازی به تصویب آیین‌نامه جدید (معترض‌عنه) وجود ندارد.

ج - مغایرت با بند (ت) ماده ۷۴ قانون برنامه ششم توسعه:

مطابق بند مذکور «به منظور متناسب‌سازی کیفیت و کمیت تربیت نیروی انسانی گروه پزشکی با نیازهای نظام سلامت کشور، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است نیازهای آموزشی و ظرفیت ورود کلیه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی علوم پزشکی اعم از دولتی و غیردولتی را متناسب با راهبردهای پزشک خانواده، نظام ارجاع و سطح بندی خدمات و نقشه جامع علمی کشور تعیین نموده و اقدامات لازم را به عمل آورد». متأسفانه وزارت بهداشت با وجود اینکه ۳۰ سال از تصویب تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون می‌گذرد و فرصت کافی برای تربیت پزشک متخصص پاتولوژی داشته و دارد و به جای اینکه از ظرفیت این بند و مقررات مشابه گذشته استفاده نماید و مشکل را از طریق افزایش ظرفیت تربیت متخصصان پاتولوژی حل نماید همچنان اصرار دارد که موضع را از طریق ورود افراد غیرمتخصص در یکی از بنیادی ترین مراکز مرتبط با سلامت و جان مردم حل نماید.

د - مغایرت برگزاری امتحان با حکم تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون:

چنانچه قایل به حاکمیت تبصره مذکور باشیم، کماکان استفاده از حکم آن مستلزم برگزاری امتحان ورودی نمی‌باشد. زیرا در تبصره ۲ مقرر شده: «رشته‌های کمبود را در کلاسهایی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران و سایر دانشگاههای علوم پزشکی که امکان دارند می‌گذرانند و پس از انجام کارآموزی بیمارستانی و قبول شدن در آزمون تخصص مجاز به ...». همان گونه که ملاحظه می‌فرمایند در قانون به آزمون تخصصی اشاره شده است. با این تفاوت که آزمون مذکور بایستی پس از شرکت در کلاس و کارآموزی، برگزار شود، نه قبل از برگزاری کلاس و کارآموزی (اقدامی که وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مرتکب شده است)

مطابق ماده ۴ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳ و تبصره ۲ ماده ۶ قانون به شرح زیر اصلاح شد:

«تبصره ۲- افرادی که دارای دکترای گروه پزشکی در رشته‌های پزشکی، داروسازی و دامپزشکی بوده و مدرک آنها مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و دارای تخصص در یک رشته آزمایشگاهی یا افرادی که دارای پی‌اچ‌دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته‌های آزمایشگاهی بالینی هستند رشته‌های کمبود را در کلاسهایی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران و سایر دانشگاههای علوم پزشکی که امکان دارند می‌گذرانند و پس از انجام کارآموزی بیمارستانی و قبول شدن در آزمون تخصص مجاز به تصدی فنی آزمایشگاه تشخیص طبی خواهند بود. آیین‌نامه کلاسها و کارآموزی و نحوه تأمین بودجه آن را وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معین می‌کند.»

این حکم به واسطه کمبود نیروی انسانی متخصص پاتولوژی در کشور در زمان تصویب و به منظور فراهم نمودن بستری برای جبران کمبود یادشده در آزمایشگاههای تشخیص طبی به تصویب رسید به عبارت دیگر حکم مذکور برخلاف الگوهای آموزشی روز دنیا و استانداردهای بین‌المللی و صرفاً به عنوان یک استثناء در آن مقطع زمانی به منظور تأمین نیاز آزمایشگاهها به مسئول فنی تصویب شده است. در اینجا لازم به توضیح است همان طور که ملاحظه می‌گردد در متن قانون از کلمه «بوده» استفاده شده و چنین به نظر می‌رسد که حکم ناظر به افرادی است که تا زمان تصویب قانون مدارک مورد نظر را اخذ نموده‌اند و به بعد از آن تسری ندارد. معاونت حقوقی وزارت بهداشت نیز برای جلوگیری از بروز چنین برداشتی، در متنی که روی سایت قرار می‌دهد کلمه «بوده» را به کلمه «می‌باشد» و «هستند» تغییر داده است.

ج - تصویب آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۶ قانون:

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در اجرای قسمت اخیر تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی را ابتدا در سال ۱۳۶۷ تصویب و طی نامه دبیر شورای آموزش پزشکی و تخصصی به دانشگاههای علوم پزشکی ابلاغ می‌نماید. تا اینکه اخیراً در تاریخ ۱۳۹۶/۲/۳ آیین‌نامه مورد اعتراض را با عنوان آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات دوره پزشکی داوریی و مواد خوراکی مصوب ۱۳۶۷ تصویب می‌نماید.

د - وضعیت فعلی کشور از حیث تعداد فارغ‌التحصیلان متخصص پاتولوژی:

همان طور که عرض شد فلسفه اصلی تصویب تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون مذکور کمبود نیروی انسانی متخصص پاتولوژی جهت تصدی فنی آزمایشگاههای تشخیص طبی در آن مقطع زمانی بوده است و چون حکم مزبور برخلاف اصول رایج در دنیا و نیز کشور در بخش تصدی امور فنی آزمایشگاه تشخیص طبی بود، قانونگذار به منظور به حداقل رساندن آسیبها و نواقص ناشی از آن، شروط حداقلی را برای واگذاری تصدی فنی به غیرمتخصصین پاتولوژی در متن تبصره قرار داده است. اینکه افراد بایستی حتماً دارای مدرک دکترای گروه پزشکی (پزشکی، داروسازی و دامپزشکی) بوده و علاوه بر آن دارای تخصص در یک رشته آزمایشگاهی هم باشند یا افراد باید دارای مدرک پی‌اچ‌دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته‌های آزمایشگاهی بالینی باشند، متأسفانه وزارت بهداشت از سال ۱۳۶۷ که اولین آیین‌نامه را تصویب نموده پس از آن هر بار سعی نموده این شروط حداقلی قانونگذار را در آیین‌نامه‌های بعدی کم رنگ تر نماید و دایره واجدین شرایط استفاده از تبصره مزبور را گسترش دهد. به گونه‌ای که طبق آیین‌نامه معترض‌عنه شخصی که دارای کارشناسی و کارشناسی ارشد حشره شناسی است و پی‌اچ‌دی ایمونولوژی، می‌تواند ظرف ۲ سال تمام موضوعات آزمایشگاهی را آموزش ببیند و متصدی فنی آزمایشگاه شود.

۲- در حال حاضر کشور، آن شرایط خاص سال ۱۳۶۷ را ندارد زیرا بر اساس آمار بیش از ۱۸۰۰ متخصص پاتولوژی وجود دارد و هر سال بیش از ۱۰۰ نفر فارغ‌التحصیل جدید نیز به آن می‌پیوندند. مجموع آزمایشگاههای تشخیص درمانی و بهداشتی سطح ۳ که نیازمند متصدی فنی می‌باشند ۳۹۲۸ آزمایشگاه می‌باشد و از آنجا که هر متخصص پاتولوژی می‌تواند در دو آزمایشگاه متصدی فنی باشد بنابراین با ۱۸۰۰ پزشک متخصص پاتولوژی که در کشور وجود دارد، تعداد ۳۶۰۰ آزمایشگاه را پوشش می‌دهند و تعداد ۳۲۸ آزمایشگاه مشکل دارد که آن هم حداکثر تا ۳ سال آینده مشکل نیروی انسانی پاتولوژی آنها مرتفع می‌شود.

ه - نظریه کارشناسی مرکز پژوهشهای مجلس در خصوص طرح الحاق یک تبصره به ماده ۶ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد

هـ - ذکر برخی از تعارضات بندهای آیین‌نامه با قوانین:

۱- بند ۳ آیین‌نامه: در متن تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ مقرر شده: «... یا افرادی که دارای پی اچ دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده...» اما در بند ۳ آیین‌نامه عبارت دیگری به آن اضافه شده و آن عبارت «یا تخصص بوده‌اند و پس از اخذ تخصص» می‌باشد. این عبارت قطعاً در آینده باعث ورود افراد دیگری غیر از دارندگان مدرک پی اچ دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی خواهد شد.

۲- بند ۵ - ۲: این بند دایره استفاده از تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون را به دانش آموختگان کارشناسی یا کارشناسی ارشد غیرعلوم آزمایشگاهی نیز تسری داده است. به عنوان مثال کارشناس رشته زیست شناسی را هم شامل می‌شود.

۳- بند ۵ - ۳: اولاً - برخلاف قسمت صدر تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون که در آن رشته‌های گروه پزشکی شامل پزشکی، داروسازی و دامپزشکی تعیین شده در بند ۵ - ۳ آیین‌نامه، رشته دندانپزشکی را هم به رشته‌های مذکور اضافه نموده. ثانیاً - طبق تبصره مذکور صرفاً افراد دارای پی اچ دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی مشمول می‌شوند حال آن که در این بند از کارشناس علوم آزمایشگاهی صحبت نموده نه پی اچ دی. ثالثاً - برخلاف قسمت صدر تبصره ۲ اصلاحی که دارندگان دکترای گروه پزشکی (داروسازی، دامپزشکی و پزشکی) در صورتی که دارای تخصص در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی باشند، مشمول قرار داده است در این بند ذکری از این موضوع نشده است.

۴- نکات مهمی که در آیین‌نامه مغفول مانده است:

الف - قانونگذار در قسمت اخیر تبصره ۲ قانون، وزارت بهداشت را موظف نموده تا در خصوص چند موضوع در آیین‌نامه تعیین تکلیف نماید که عبارتند از: کلاسها و کارآموزی و نحوه تأمین بودجه. اما متأسفانه تنها چیزی که در آیین‌نامه تعیین تکلیف نشده موارد مذکور است. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در موضوع مشمولین تبصره که به صورت شفاف بیان شده و نیازی به آیین‌نامه نداشته به گونه‌ای معارض با حکم قانون تبیین نموده و دایره مشمولین موضوع تبصره با به نحو بسیار وسیعی گسترش داده است.

ب - دو عبارت مهم و اساسی در متن تبصره ۲ به کار رفته که در آیین‌نامه به آن پرداخته نشده است که عبارتند از: «رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی» و «آزمون تخصصی».

در خصوص بالینی ذکر چند نکته لازم است. اولاً: در آیین‌نامه سال ۱۳۶۷ ملاک بالینی بودن، بررسی هیأت ممتحنه بود تخصصی پاتولوژی اعلام شده بود که در این آیین‌نامه حذف شده است. ثانیاً: دوره تکمیلی علوم آزمایشگاهی فاقد ضوابط آموزشی و استانداردهای لازم جهت اعطای مجوز به دانش آموختگان پی اچ دی علوم پایه بدون گذراندن واحدهای طب عمومی و بالینی است. ثالثاً: مطابق معیارها و استانداردهای بین‌المللی نظیر CLIA (بند ۱۴۴۱/۴۹۳۰) تنها آن دسته از دارندگان مدارک پی اچ دی بالینی محسوب می‌گردند که بعد از گذراندن دوره پی اچ دی و سابقه چندین سال کار در آزمایشگاههای تشخیص پزشکی و گذراندن دوره‌های حداقل دو یا سه ساله در رشته خود موفق به کسب یکی از بوردهای ملی شوند. با این توصیف هیچ یک از مدعیان پی اچ دی در کشور ما بالینی محسوب نمی‌شوند. در پایان به دلیل عدم دسترسی به اصل اسناد امکان تصدیق تصویر اسناد وجود ندارد (موضوع تبصره ۲ ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری)»

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۹۶/۲/۳

۱- این مصوبه تنها برای اجرای قانون مصوب «تبصره ۲ ماده ۴ نحوه اداره آزمایشگاهها مصوب سال ۱۳۶۷» مجلس شورای اسلامی و در مرحله اول به صورت محدود در ۴ دانشگاه علوم پزشکی تهران، شیراز، مشهد و اصفهان در سقف ظرفیت ۳۰ درصد مازاد هر رشته محل برای رشته آسیب‌شناسی به مدت ۳ سال اجرا می‌گردد.

۲- مسئولیت اجرای این مصوبه به صورت مشترک برعهده دبیرخانه شورای آموزش علوم پایه پزشکی، بهداشت و تخصصی و دبیرخانه شورای آموزش پزشکی و تخصصی خواهد بود.

۳- شرایط عمومی ورود به دوره کلیه افرادی که در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی (ایمنی‌شناسی پزشکی، انگل‌شناسی پزشکی، باکتری‌شناسی پزشکی، بیوشیمی بالینی، ژنتیک پزشکی، میکروبی‌شناسی پزشکی، قارچ‌شناسی پزشکی، ویروس‌شناسی پزشکی و هماتولوژی آزمایشگاهی و بانک خون) دارای دکترای تخصصی Ph.D یا تخصص بوده‌اند و پس از اخذ تخصص یا Ph.D حداقل ۴ سال سابقه کار در رشته تخصصی (معادل حداقل سنوات مربوط به تعهدات خدمات آموزش رایگان) در رشته مربوط برخوردار باشند، می‌توانند وارد این دوره شوند.

۴- نحوه پذیرش

۱- ۴- در سال ۱۳۹۵ و (سالهای پس از آن) این مصوبه در همان سقف ذکر شده در بند ۱ با فراخوان انجام خواهد شد.

۲- ۴- پس از فراخوان کمیته ۶ نفره منتخب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در نامه ۵۰۰/۶۵۵/د - ۱۳۹۵/۹/۲۸ ساز و کار مصاحبه و انتخاب افراد واجد صلاحیت را انجام خواهد داد.

۳- ۴- پس از تعیین افراد در سقف مذکور در بند ۱ دانشگاههای علوم پزشکی فوق‌الذکر موظف به پذیرش و آموزش پذیرفته شدگان می‌باشند.

۵ - طول دوره و شکل نظام

۱- ۵ - با توجه به سوابق تحصیلی پذیرفته شدگان، طول دوره تکمیلی بین ۱۸ تا ۳۶ ماه خواهد بود.

۲- ۵ - دانش آموختگانی که مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد غیرعلوم آزمایشگاهی دارند، ملزم به گذراندن یک نیم سال از دروس منتخب علوم آزمایشگاهی و دو نیم سال از دروس منتخب فیزیوپاتولوژی هستند، لذا طول دوره برای این گروه از داوطلبین حداکثر ۳۶ ماه خواهد داد.

۳- ۵ - دانش‌آموختگان دکتری عمومی گروه پزشکی (داروسازی، دندانپزشکی، دامپزشکی) و کارشناس علوم آزمایشگاهی ملزم به گذراندن دو نیم سال از دروس منتخب فیزیوپاتولوژی هستند. لذا طول دوره برای این گروه از داوطلبین حداکثر ۳۰ ماه خواهد داد.

۴- ۵ - دانش‌آموختگان دوره پزشکی عمومی معاف از گذراندن دروس منتخب علوم آزمایشگاهی و فیزیوپاتولوژی هستند. لذا طول دوره برای این گروه از داوطلبین حداکثر ۲۴ ماه خواهد بود.

۵ - ۵ - داوطلبین هر سه گروه پس از طی دوره‌های فوق و با تأیید عدم نیاز به دوره، به گروههای آموزشی آسیب‌شناسی دانشگاه جهت دوره کلینیکال پاتولوژی معرفی و طبق ضوابط برنامه آموزشی دوره تخصصی کلینیکال پاتولوژی این دوره را طی می‌نمایند. (طول دوره دو ساله براساس دوره‌های قبلی طی شده تا ۱۸ ماه قابل تقلیل است).

۶ - ۵ - دوره آموزش برای مشمولین به صورت تمام وقت و میزان تعهدات مطابق ضوابط قانون وزارت براساس شرایط ورود خواهد بود.

۶ - شرایط فارغ‌التحصیلی

۲- ۶ - کلیه واجدین شرایط پس از طی دوره تکمیلی موظف به گذراندن حداقل‌های امتحان ارتقاء ۳- ۴ و گواهینامه دوره تخصصی آسیب‌شناسی کلینیکال هستند و پس از کسب حدنصاب قبولی، فارغ‌التحصیل این رشته (کلینیکال پاتولوژی) محسوب می‌شوند.

۳- ۶ - واجدین مدرک گواهینامه، مجاز به شرکت در دانشنامه تخصصی کلینیکال پاتولوژی هستند و پس از کسب حدنصاب، مدرک دانشنامه کلینیکال پاتولوژی به آنان اعطاء می‌گردد.

۷- پس از سه سال از اجرای آزمایشی این دوره و ارزشیابی دوره آموزش، تصمیم مقتضی جهت توسعه رشته محلهای آموزش توسط معاونت آموزشی اتخاذ خواهد شد.

این آیین‌نامه در تاریخ ... به تأیید وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی رسیده است.»

در پاسخ به شکایت مذکور، سرپرست دفتر امور حقوقی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به شرح لایحه شماره ۱۰۷/۲۲۵۵ - ۱۳۹۶/۱۲/۵ توضیح داده است که:

«ریاست محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با اهدای سلام

احتراماً در خصوص پرونده کلاسه ۸۹۵/۹۶ موضوع شکایت خانم الهام عسگری به خواسته ابطال آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۶۷ مراتب ذیل به استحضار می‌رسد:

۱- شاکی در دادخواست تقدیمی ادعا نموده وزارت بهداشت اخیراً مستند به تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۶۷ اقدام به تهیه آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره مذکور نموده و متعاقب آن فراخوان پذیرش دوره تکمیلی علوم آزمایشگاهی را منتشر نموده است. وی در حال حاضر با این استناد که آزمون موضوع فراخوان موجب ورود افراد با تخصصهای غیرمرتبط به عرصه سلامت می‌گردد، متقاضی ابطال آیین‌نامه گردیده است.

۲- شاکی در ابتدای دادخواست ادعا نموده وزارت بهداشت بدون اینکه آیین‌نامه مزبور را به طرق قانونی ابلاغ نماید، در اقدامی عجولانه نسبت به اعلام فراخوان آزمون

اقدام نموده است. در این خصوص لازم به ذکر است، آیین‌نامه مزبور، آیین‌نامه داخلی وزارت بهداشت می‌باشد که اجرای مفاد آن بر عهده معاونت آموزشی است و لذا لزومی به ابلاغ آن به دانشگاهها و... نبوده است. ضمناً منظور از عبارت «ابلاغ قانونی» در خصوص آیین‌نامه داخلی مشخص نمی‌باشد. لذا لازم بود شاکی منظور خود را از عبارت ابلاغ قانونی و یا نحوه ابلاغ قانونی در خصوص آیین‌نامه‌های این چنین اعلام می‌نمود. ضمن اینکه چنانچه آیین‌نامه مزبور در دسترس نبوده است، این سوال مطرح می‌شود شاکی چگونه نسخه‌ای از آن را دریافت و پیوست دادخواست تقدیمی ارائه نموده است.

۳- صرف نظر از مراتب فوق‌الذکر اشاره می‌نماید، در سال ۱۳۳۴ قانونی با عنوان «قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی» بعضاً مورد اصلاح مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است.

۴- به موجب ماده ۴ قانون اصلاح فوق‌الاشعار، تبصره ۱ و ۲ ماده ۶ سابق اصلاح و تبصره‌هایی به ذیل آن افزوده گردید. وفق تبصره ۲ از ماده ۴ مقرر گردیده است: «افرادی که دارای دکترای گروه پزشکی در رشته‌های پزشکی، داروسازی و دامپزشکی بوده و مدرک آنها مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشند و دارای تخصص در یک رشته آزمایشگاهی یا افرادی که دارای پی‌اچ‌دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته‌های آزمایشگاهی بالینی هستند رشته‌های کمبود را در کلاسهایی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران و سایر دانشگاههای علوم پزشکی که امکان دارند می‌گذرانند و پس از انجام کارآموزی بیمارستانی و قبول شدن در آزمون تخصصی مجاز به تصدی فنی آزمایشگاه تشخیص طبی خواهند بود. آیین‌نامه کلاسها و کارآموزی و نحوه تأمین بودجه آن را وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معین می‌کند.» همان گونه که ملاحظه می‌گردد به تصریح قانون مزبور وزارت بهداشت مکلف بوده آیین‌نامه کلاسها و کارآموزی و نحوه تأمین بودجه آن را تهیه و ابلاغ نماید تا مشمولین این قانون بتوانند با استفاده از مزایای آن در کلاسهای مربوطه شرکت و پس از انجام کارآموزی بیمارستانی و پذیرش در آزمونهای تخصصی به تصدی امور فنی آزمایشگاه تشخیص طبی اشتغال یابند.

۵- پس از تصویب قانون مذکور در سال ۱۳۶۷ آیین‌نامه‌ای برای اجرای آن تهیه که پس از دو دوره اجرا به دلیل تعارضات بین رشته‌های متوقف گردید. در طول سالهای توقف اجرای آیین‌نامه، وزارت متبوع به طور مستمر با تقاضای گروه‌های ذینفع برای اجرای قانون مواجه بوده که نهایتاً در سال ۱۳۸۸ با تشکیل کمیته مشترک از گروه‌های موافق و مخالف آیین‌نامه‌ای در سال ۱۳۸۹ به تصویب شورای معین شورای عالی برنامه‌ریزی می‌رسد که پس از ابلاغ مجدداً به دلیل واکنش و اعتراض گروه‌های دارای تعارض منافع متوقف می‌گردد.

۶- با توقف بخشنامه‌های مذکور، مشمولین قانون با توجه به بلا تکلیفی چندین ساله ناگزیر از طرح دعوا در دیوان عدالت اداری می‌گردند که به طور نمونه می‌توان به رأی صادره به نفع آقای قبادی نژاد در سال ۱۳۸۷ اشاره نمود.

۷- با توجه به پیگیری افراد ذینفع در سال ۱۳۹۳ رئیس وقت کمیسیون انجمنهای علمی وزارت بهداشت از سوی مقام عالی وزارت مسئول بررسی ابعاد مختلف موضوع و جمع بندی نظرات گروه‌های تخصصی مختلف می‌گردد و پس از ارائه گزارش از سوی ایشان کمیته‌ای شش نفره در سال ۱۳۹۵ از گروه‌های موافق و مخالف تشکیل می‌گردد تا آیین‌نامه جدیدی با در نظر گرفتن نظرات این گروه‌ها تنظیم گردد که آیین‌نامه پیوست تنظیم می‌شود.

۸- شاکی ادعا نموده فلسفه اصلی تصویب تبصره ۲ اصلاحی ماده ۶ قانون مذکور کمبود نیروی انسانی پاتولوژی جهت تصدی آزمایشگاه‌های تشخیص طبی در آن مقطع زمانی بوده است و تلویحاً اشاره نموده در حال حاضر با وجود تعداد کافی پاتولوژیست ضرورتی به اجرای قانون نمی‌باشد. در این خصوص لازم به ذکر است اولاً: قوانین جاری کشور مصوب مجلس شورای اسلامی تا زمانی که از سوی مرجع تصویب ابطال نگردد و یا به موجب قانونی دیگر ملغی‌الآثر نگردد لازم‌الاجرا می‌باشد. قانون مذکور نیز تاکنون از سوی مجلس شورای اسلامی ابطال نگردیده و به قوت خود باقی می‌باشد. ضمناً در قوانین جاری کشور به جز در مواردی که خود قانونگذار تصریح نموده باشد قوانین مشمول مرور نمی‌گردد تا بتوان ادعا نمود قانونی مشمول مرور زمان گردیده و در حال حاضر قابلیت اجرا ندارد. لذا این وزارتخانه مجوزی برای عدم اجرای مفاد قانون صرفاً به دلیل اینکه متخصصین رشته پاتولوژی به اجرای آن معترض می‌باشند، ندارد. ضمن اینکه یکی از مراجع پیگیر جهت اجرای قوانین و مقررات از سوی دستگاههای دولتی، دیوان عدالت اداری می‌باشد که در این موضوع به خصوص با صدور آراء مختلف علیه وزارت بهداشت و متعاقب آن نامه‌های اجرای احکام، این وزارتخانه را به تصویب آیین‌نامه مذکور و اجرای قانون ملزم نموده است. ثانیاً: در حال حاضر نیاز به مسئول فنی

۱۰- در ارتباط با ادعای شاکی دایر بر اینکه چنانچه قائل به حاکمیت تبصره مذکور باشیم استفاده از حکم آن مستلزم برگزاری آزمون ورودی نمی‌باشد نیز لازم به ذکر است، وظیفه تهیه آیین‌نامه کلاسها و کارآموزی و نحوه تأمین بودجه بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد. بر این اساس نحوه پذیرش داوطلبین واجد شرایط برای شروع دوره مزبور نیز بر عهده این وزارتخانه می‌باشد. طبق روال مرسوم از ابتدای تشکیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معیار پذیرش در تمامی مقاطع تحصیلی برگزاری آزمون ورودی ویژه هر دوره می‌باشد و در خصوص رشته‌های وزارت علوم نیز پذیرش دانشجو در مقاطع گوناگون توسط سازمان سنجش آموزش کشور تنها با برگزاری آزمون صورت می‌گیرد و برگزاری آزمون تنها روش عادلانه مرسوم و قابل اجرا با هدف پذیرش تعداد مشخصی از واجدین شرایط از بین تعداد بسیار زیاد داوطلبین اولیه در سراسر کشور می‌باشد. لذا این وزارتخانه با در نظر گرفتن شرایط و بررسی اعتبارات، ظرفیت پذیرش در آیین‌نامه ۱۵ نفر در سال اعلام نموده است. با توجه به تعداد زیاد متقاضی و محدود بودن ظرفیت پذیرش سالانه، برگزاری آزمون جهت امکان ورود افراد با توجه به نمره مکتسبه اجتناب ناپذیر بوده است. وفق مفاد آیین‌نامه مورد اشاره متقاضیان در ابتدا ملزم به شرکت در آزمون دو مرحله‌ای کتبی و مصاحبه بوده و پس از پذیرش مکلف به طی دوره‌های تکمیلی که ترکیبی از کلاسهای نظری، عملی و دوره‌های کارورزی در بخشهای آزمایشگاههای تخصصی می‌باشند، خواهند بود. در پایان دوره نیز بر این افراد گواهی طی دوره تکمیلی علوم آزمایشگاهی صادر خواهد شد تا بتوانند از مزایای آن بهره‌مند گردند.

۱۱- همچنین وفق مفاد ماده ۳ آیین‌نامه مشمولین ورود به دوره صرفاً اشخاصی می‌باشند که در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی دارای دکترای تخصصی یا تخصص بوده‌اند. ضمن اینکه از زمان تصویب تبصره ۲ ماده ۴ قانون، افرادی که دارای دکترای گروه پزشکی در رشته‌های پزشکی، داروسازی و دامپزشکی بوده و مدرک آنها مورد تأیید وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و دارای تخصص در یک رشته آزمایشگاهی می‌باشند یا افرادی که دارای پی‌اچ‌دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته‌های آزمایشگاهی بالینی هستند متصدی مسئولیت فنی آزمایشگاههای تشخیص طبی در بخش مربوطه بوده‌اند، واجد صلاحیت گذراندن دوره تکمیلی می‌باشند.

۱۲- در ارتباط با آن قسمت از دادخواست شاکی دایر بر اینکه مطابق استانداردهای بین‌المللی صرفاً پاتولوژیست‌ها واجد صلاحیت برای تصدی مسئولیت فنی آزمایشگاههای تشخیص طبی می‌باشند نیز لازم به توضیح است، دوره‌های تکمیلی علوم آزمایشگاهی در همه کشورها مرسوم و متداول است و بر اساس برنامه‌های آموزشی رشته‌های مختلف، سرفصلهای مورد نیاز به صورت جبرانی، اجباری و اختیاری، کارورزی و کارآموزی لحاظ می‌شوند. جالب آن که برخلاف ادعای نامبرده، طبق آمار متقن و مستندات علمی در بسیاری از کشورها از جمله در اتحادیه اروپا غالب مسئولان فنی آزمایشگاههای تشخیص طبی نه تنها از پزشکان بلکه از دانش‌آموختگان رشته‌های علوم آزمایشگاهی می‌باشند. دقت در متن انگلیسی آیین‌نامه تخصصی مربوط به حوزه مسئولیت فنی و ارائه خدمات در آزمایشگاههای تشخیص طبی موسوم به *CLIA* و *CAP* که نامبرده به آنها استناد کرده است،

(دکتری تخصصی) با تخصص متفاوت است، بنابراین بند ۳ آیین‌نامه مورد شکایت که علاوه بر دارندگان مدرک رشته‌های علوم آزمایشگاهی، متخصصین را نیز اضافه کرده خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص می‌شود و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۷۰۱۴۷۹/۳۱/۱۳۹۸
بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

با سلام

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۰۱۸۸ مورخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با موضوع: «ابطال ردیف ۶ تعرفه شماره ۲۸ دفترچه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر گراش» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۲/۱۷ شماره دادنامه: ۱۸۸ شماره پرونده: ۱۴۷۹/۹۷

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای امید محمدی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۶ تعرفه شماره ۲۸ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر گراش

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۶ تعرفه شماره ۲۸ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۶ شورای اسلامی شهر گراش را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

با سلام و دعای خیر

احتراماً، اینجانب امید محمدی در جهت تبیین خواسته به استحضار آن عالی مقام می‌رساند، شورای اسلامی شهر گراش طی مصوبه‌ای تحت عنوان تعیین و وصول «هزینه فضای سبز و توسعه آن»، مبادرت به اخذ جواز به شهرداری گراش جهت اخذ وجوهی غیرقانونی از شهروندان مربوطه می‌نماید. مصوبه مذکور به نحو ذیل است:

الف) بخش اول: مصوبه مورد اعتراض

تعرفه شماره ۲۸) قسمت ۶:

۲/۵ درصد عوارض ساختمانی محاسبه و وصول گردد.

ب) دلایل اعتراض به مصوبه

شوراهای اسلامی شهر گراش طی مصوباتی تحت عنوان تعیین و وصول «عوارض فضای سبز»، مبادرت به اخذ جواز به شهرداری جهت اخذ وجوهی غیرقانونی و غیرشرعی از شهروندان می‌نمایند. این در حالی است که با استناد به دلایل ذیل این مصوبه‌ها مغایر قوانین و مقررات می‌باشد:

دلایل تبیین شده در خصوص غیرقانونی بودن عوارض فضای سبز عبارت است از:

۱- مغایرت با قانون نوسازی و عمران شهری

ماده ۱ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷/۹/۷ و اصلاحیه‌های بعدی آن برای نوسازی و عمران و اصلاحات اساسی و تأمین نیازمندیهای شهری و ایجاد پارک‌ها و نگهداری از پارک‌ها و باغ‌های عمومی شهر و تأمین سایر تاسیسات و احتیاجات شهری را در شمار وظایف اساسی شهرداری‌ها قلمداد نموده و به همین منظور دریافت عوارض نوسازی به موجب ماده ۲ قانون تعیین شده است لذا با عنایت به اینکه پرداخت هزینه‌های توسعه فضای سبز و نگهداری آن به موجب قانون تعیین تکلیف شده و عوارض قانونی از این بابت وضع گردیده است شهرداریها موظفند از درآمدهای عوارض نوسازی بخشی را به فضای سبز شهری اختصاص دهند، وضع مجدد عوارض محلی به فضای سبز شهری خارج از اختیارات شوراها می‌باشد.

۲- مغایرت با ماده قانون برنامه پنجم توسعه:

با توجه به اینکه در ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به کاهش عوارض صدور پروانه اشاره شده است و با عنایت به اینکه در قوانین مربوط به گسترش فضای سبز در شهرها، عوارض پیش‌بینی نشده است و وضع عوارض فضای سبز در

بیانگر امکان حضور دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف آزمایشگاهی در ارائه خدمات تشخیص پزشکی به عنوان مسئول فنی آزمایشگاه می‌باشد.

۱۳- در مورد بند «ج» بخش سوم دادخواست مطروحه موضوع مغایرت آیین‌نامه با بند (ت) ماده ۷۴ قانون برنامه ششم توسعه نیز اشاره می‌نماید، برخلاف آنچه که ایشان اظهار نموده است وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در طول سالیان اخیر با بهره‌گیری از راهکارهای علمی هیأت‌های ممتحنه، ارزشیابی و برنامه‌ریزی رشته‌های علوم پزشکی از جمله رشته آسیب‌شناسی که متشکل از منتخبی از اساتید با تجربه و متخصص شاغل به‌امر آموزش در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور می‌باشند و نیز فراهم آوردن تمامی امکانات و تجهیزات تخصصی ضروری برای آموزش و دوره تخصصی آسیب‌شناسی، از تمام توان و ظرفیت آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور استفاده نموده است تا نیاز به ارائه خدمات تخصصی دانش‌آموختگان این رشته در تمامی نقاط کشور بر طرف شود. این امر در حالی است که بسیاری از دانشگاه‌های علوم پزشکی هنوز موفق به کسب مجوز لازم برای شروع آموزش دوره تخصصی آسیب‌شناسی از سوی هیأت ممتحنه، ارزشیابی و برنامه‌ریزی رشته آسیب‌شناسی نشده‌اند. بنابراین اجرای این قانون دقیقاً یکی از راهکارهای مهم در دستیابی به بند (ت) ماده ۷۴ قانون برنامه ششم توسعه می‌باشد که در آن به منظور متناسب‌سازی کیفیت و کمیت نیروی انسانی گروه پزشکی با نیازهای نظام سلامت کشور، موظف شده است نیازهای آموزشی و ظرفیت ورود کلیه دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی علوم پزشکی اعم از دولتی و غیردولتی را متناسب با راهبردهای پزشک خانواده نظام ارجاع و سطح بندی خدمات و نقشه جامع علمی کشور تعیین نموده و اقدامات لازم را به‌عمل آورد.

۱۴- در خصوص موضوع مورد اعتراض شاکي دائر بر تسری موضوع تبصره به‌دارندگان مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زیست شناسی و یا دندانپزشکان لازم به ذکر است، از آنجا که در قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی اعلام شده است: «... یا افرادی که دارای پی اچ دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته‌های آزمایشگاهی بالینی هستند...» لذا با توجه به اینکه برخی از دارندگان مدرک دکترای تخصصی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی ممکن است با مدرک کارشناسی ارشد و یا دکترای دندانپزشکی وارد مقطع مذکور شده باشند، این موضوع در آیین‌نامه پیش‌بینی شده است. بنابراین آیین‌نامه مزبور از نظر شرایط ورود به دوره با مفاد قانون مغایرتی ندارد. با توجه به مراتب فوق‌الذکر و نظر به اینکه تمام اقدامات صورت گرفته وفق ضوابط و مقررات قانونی بوده است، رد شکایت مطروحه مورد تقاضا می‌باشد.»

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی فرهنگی، آموزشی و پزشکی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و هیأت مذکور به موجب دادنامه‌های ۳۳۴، ۳۳۱، ۱۳۹۷/۱۰/۱۹-۲ از آیین‌نامه نحوه اجرای تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۷۶ را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

رسیدگی به بندهای ۳-۵ و ۳ از آیین‌نامه مذکور در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - با عنایت به اینکه قانونگذار به شرح تبصره ۲ ماده ۴ قانون اصلاح برخی از مواد قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۶۷ صرفاً دارندگان مدرک دکترای در رشته‌های پزشکی، داروسازی و دامپزشکی از گروه پزشکی را مشمول حکم خود قرار داده است، بنابراین در بند ۳-۵ آیین‌نامه مورد شکایت که دارندگان مدرک دکترای دندانپزشکی نیز مشمول حکم قانونگذار قرار گرفته‌اند، به جهت توسعه موضوع حکم قانونی خارج از حدود اختیار مرجع وضع مصوبه و مغایر قانون است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ب - با عنایت به اینکه نظر قانونگذار به شرح مذکور در تبصره ۲ ماده ۴ قانون فوق‌الذکر صراحتاً ناظر به دارندگان مدرک رشته‌های علوم آزمایشگاهی است و اینکه مدرک

عدالت اداری سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر گراش و جلوگیری از اخذ عوارض غیرقانونی شهرداری گراش از زمان تصویب را دارم.»
متن تعرفه در قسمت مورد اعتراض به قرار زیر است:
«تعرفه شماره ۲۸: سایر عوارض

ردیف	عنوان تعرفه عوارض	ماخذ و نحوه محاسبه عوارض	توضیحات
۶	هزینه فضای سبز و توسعه آن	به میزان ۲/۵ درصد عوارض ساختمانی محاسبه و وصول گردد	۱- فقط یک بار هنگام صدور پروانه یا پایان کار وصول گردد. ۲- به میزان ۲۰ درصد عوارض سالیانه نوسازی هر سال وصول گردد. ۳- عوارض ساختمانی مشمول عبارتند از: زیربنا و پذیره، دیوار دور بالکن، درب ورودی

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر گراش به موجب لایحه شماره ۸۵۷ - ۱۳۹۷/۷/۱۷ توضیح داده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری
با سلام و تحیات

احتراماً عطف به ابلاغیه تاریخ ۱۳۹۷/۵/۱۶ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری موضوع پرونده شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۰۶۷۹ و شماره بایگانی ۱۰۹۹۰ که در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۱۸ به این شورا ابلاغ گردیده، در خصوص اعتراض شاکی آقای امید محمدی به بند ۶ تعرفه شماره ۲۸ دفترچه عوارض سال ۱۳۹۶ شهرداری گراش بدین وسیله دفاعیات این شورا جهت بررسی و صدور رأی مقتضی تقدیم حضور می‌گردد.

۱- استدلال شاکی در بخش اول لایحه مبنی بر مغایرت اخذ عوارض هزینه فضای سبز و توسعه آن با ماده ۱ قانون نوسازی و عمران شهری دارای دو اشکال است. در ماده ۱ قانونی نوسازی صرفاً در خصوص «حفظ و نگهداری پارکها و باغهای عمومی» تعیین تکلیف گردیده و لذا دو بحث دیگر یعنی «حفظ و نگهداری فضاهای سبز واقع در بلوارها و شوارع» و ایضا «توسعه» فضای سبز بلا تکلیف مانده و بدیهی است که موارد اخیر مستلزم هزینه‌هایی است که تنها راه جبران این هزینه‌ها همان عوارض مصوب شورای اسلامی شهر می‌باشد که در تعرفه فوق‌الذکر پیش‌بینی شده است.

۲- در بند دوم لایحه استناد شاکی به ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه یک ایراد کلی است که بر همه عوارض صدور پروانه در همه شهرداریهای سراسر کشور وارد است و لذا نمی‌توان با استناد به مفاد قانونی فوق درخواست ابطال یک تعرفه عوارض خاص را دارد.

۳- بخش سوم لایحه ارتباطی به شکایت شاکی ندارد زیرا اولاً: صرف بحث احداث مطرح نیست که به صورت دفعه‌ای پروژه فضای سبز مربوطه تصویب و اجرا گردد بلکه بحث توسعه تدریجی فضای سبز شوارع همگام با توسعه شهر نیز مطرح است و ثانیاً: مسأله نگهداری دائمی فضای سبز نیز یکی از تکالیف شهرداری است که ارتباطی به تصویب و اجرای طرح عمرانی ندارد.

۴- اخذ عوارض مورد بحث محدودیتی برای اعمال حقوق مالکانه بر ملک موضوع پروانه ساختمانی ایجاد نمی‌نماید و لذا عوارض مذکور خلاف اصل تسلیط نیست.

۵- در بند پنجم لایحه شاکی با استناد به برخی مقررات عمومی تحت این عبارت که «اخذ هرگونه وجه، کالا و یا خدمات توسط دستگاه‌های اجرایی منوط به تجویز قانونگذار است»، دریافت عوارض مورد بحث را نیز منوط به تجویز قانونگذار دانسته است در حالی که تجویز قانونگذار برای شوراها و شوراهای اسلامی به صورت خاص و موردی نبوده بلکه به طور کلی در قانون شوراها و قانون مالیات بر ارزش افزوده به شوراها و شوراهای اسلامی اختیار، وضع و تصویب عوارض را داده است که طبیعتاً برای تأمین هزینه‌های نگهداری و توسعه فضای سبز شهری شورای اسلامی شهر می‌تواند عوارضی را تصویب و جهت اجرا به شهرداری ارجاع نماید. لذا با عنایت به مراتب فوق از محضر قضات هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تقاضا می‌گردد در خصوص مصوبه مورد شکایت رأی مقتضی صادر فرمایند.»
هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۱۷ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

هر چند در بند ۱۶ ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵، تعیین نوع و میزان عوارض از اختیارات شوراهای اسلامی ذکر شده است، لکن طبق بند الف ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹، به عنوان یک سیاست کلی،

هنگام صدور پروانه موجب افزایش عوارض صدور پروانه خواهد شد، بنابراین مصوبه عوارض فضای سبز مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر می‌باشد.
۳- ماده واحده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۷:

به موجب این ماده واحده کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت و شهرداری‌ها مکلف شدند در طرح‌های عمومی یا عمرانی که ضرورت اجراء آن - یا توسط وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی با رعایت ضوابط مربوطه تصویب و اعلان شده باشد و در اراضی و املاک شرعی و قانونی اشخاص اعم از (حقیقی و حقوقی) قرار داشته و در داخل محدوده شهرها و شهرک‌ها و حریم استحقاقی آن‌ها باشد، پس از اعلام رسمی وجود طرح، حداکثر ظرف مدت هجده ماه نسبت به انجام معامله قطعی و انتقال اسناد رسمی و پرداخت بهاء یا عوض آن طبق قوانین مربوطه اقدام نمایند. همچنین قانونگذار به منظور رفع بلا تکلیفی مالکین اراضی و املاک واقع در طرح‌های عمومی و عمرانی و تأکید بر اعتبار مالکیت مشروع و قانونی اشخاص و اصل تسلیط به شرح قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها، واحدهای دولتی و شهرداری‌ها را مکلف به خرید و تملک و اجرای طرح‌های عمومی یا عمرانی مصوب در مهلت‌های مقرر در قانون نموده و به صراحت تبصره یک ماده واحدهی آن قانون در صورت عدم اجرای طرح‌های عمومی و عمرانی ظرف پنج سال توسط واحدهای ذی‌ربط، مالکین اراضی و املاک واقع در طرح‌های مزبور را ذی‌حق به‌اعمال انحاء حقوق مالکانه اعلام داشته است.

در رابطه با طرح‌هایی مانند فضای سبز نیز باید همین قانون اعمال گردد و استثناء کردن فضای سبز این قانون آن ترجیح بلامرغ بوده و اصلاً در صلاحیت و اختیارات شورای اسلامی شهرها نمی‌باشد.

۴- ماده ۳۰ قانون مدنی (اصل تسلیط)

مالکین اراضی مذکور شخصاً الزامی به انجام تکالیف شهرداری‌ها در استفاده از اراضی و املاک خود به صورت طرح‌های عمومی مانند فضای سبز ندارند و مقتضای اعمال انحاء حقوق مالکانه با توجه به اصل تسلیط مبین حق و اختیار و اراده مالک در نحوه استفاده از زمین و ملک خود با رعایت ضوابط قانونی مربوط است.

۵- تعیین و اخذ عوارض به تجویز قانونگذار (مغایرت با قانون تنظیم):

مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ و ماده ۷۱ مکرر قانون محاسبات عمومی کشور و ماده ۶۰ الحاقی به قانون تنظیم بخشی از مقررات

مالی دولت (۲) سال ۱۳۹۳ اخذ هرگونه وجه، کالا و خدمات توسط دستگاه‌های اجرایی منوط به تجویز قانونگذار شده است. یکی از مصادیقی که نیاز به تجویز قانونگذار جهت تعیین و اخذ عوارض از سوی شوراهای اسلامی را دارد، عوارض فضای سبز می‌باشد.

۶- آرای صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دلالت بر غیرقانونی بودن این نوع عوارض دارد:

ردیف	تاریخ	دادنامه	موضوع	مرجع تصویب
۱	۹۶/۸/۹	۷۴۶	عوارض فضای سبز	شهر قدس
۲	۹۶/۱۱/۱۰	۱۱۴۶	ابطال مواد ۲۷، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۴۸، ۵۹ و ۶۱ موضوع تعرفه اخذ عوارض شهرداری برازجان در سالهای ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر برازجان	بrazجان
۳	۹۶/۱۱/۱۰	۱۱۵۳	۲۷- عوارض نگهداری فضای سبز، موضوع رأی: ابطال وضع عوارض فضای سبز در هنگام صدور پروانه مصوب شورای اسلامی شهر ایمنشهر	ایمنشهر

نتیجه

با توجه به این که محدودیت در حقوق مالکانه اشخاص به نحو الزام آن‌ها نسبت به اختصاص بخشی از ملک خود به فضای سبز و اخذ عوارض در صورت عدم رعایت این امر مغایر مقررات مختلفی از جمله قانون ماده واحده تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های عمومی و عمرانی و ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و ماده ۳۰ قانون مدنی می‌باشد، بنابراین وضع عوارض جدید در این گونه موارد وجاهت قانونی ندارد. بنابراین مصوبات شوراهای اسلامی شهرها در قسمت تعیین و برقراری عوارض فضای سبز خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی طرف شکایت است.

التهایه به منظور پیشگیری از این امر تقاضای ابطال «هزینه فضای سبز و توسعه آن» را از آن مقام دارم. بنا به مراتب و نظر به این که مصوبه شورای اسلامی شهر گراش در خصوص هزینه فضای سبز با قانون - مانند ماده ۱ قانون نوسازی و عمران شهری و ماده ۱۷۴ قانون برنامه پنجم توسعه و اصول و قواعد حاکم عوارض مغایرت دارد و خارج از حدود اختیارات آن شورا می‌باشد، لذا مستنداً به مواد ۱۳، بند یک ماده ۱۲، ۸۸ قانون دیوان

بخشنامه شماره ۴۵/۲ مستمریها به دلیل مغایرت با روح قانون مورد تمنا می‌باشد. ثانیاً: از آنجا که از جانبازان اعصاب و روان هستم و دائماً با استرس و اضطراب دست به گریبان می‌باشم، رسیدگی پرونده در وقت فوق‌العاده و خارج از نوبت مورد استدعای عاجزانه می‌باشد. در ضمن تصویر جوابیه سازمان تأمین اجتماعی به شماره ۵۰۴/۰۳/۹۶/۲۹۲۸ - ۱۳۹۶/۵/۱ جهت مزید استحضار و بهره‌برداری لازم به حضور ایفاد می‌گردد.»

متن لایحه تکمیلی به قرار زیر است:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم احتراماً با عنایت به محتوای دادخواست تقدیمی، توضیحاتی به شرح ذیل

همراه با مدارک و مستندات جهت مزید استحضار و بهره‌برداری لازم به حضور ایفاد می‌گردد:

۱- در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱ قانونگذار صراحتاً به منظور پاسداشت و حفظ حرمت اینثارگری

مثال‌زدنی جانبازان و آزادگان در طول جنگ تحمیلی مصوبه‌ای را بدون هرگونه ابهام و شبهه در قالب ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی این قشر ممتاز جامعه که تا ترک همه تعلقات دنیوی در کنار شهیدان پایمردی کرده‌اند به صورت جامع و فراگیر تدوین و تصویب کرده که مراتب همزمان به دولت ابلاغ و در دستور کار عوامل اجرایی کشور قرار گرفته که در ماده واحده آن تصریح شده ملاک تعیین حقوق بازنشستگی، آخرین حقوق قبل از بازنشستگی می‌باشد.

۲- آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۵/۲۸ هیأت وزیران دقیقاً برابر قانون تصویب و به اجرا درآمده که به موجب بند ۲ آن ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی برای هر یک از کارکنان دستگاه‌های مورد اشاره در بند ۱ تأکید شده است.

۳- قانونگذار به منظور رفع هرگونه تبعیض احتمالی در امر اجرای قانون، قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و ... را در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۱ مصوب کرده که به موجب آن عبارت «به جز کارگران مشمول قانون کار» را از متن ماده واحده حذف کرد تا بدینسان شأن قانون به لحاظ برخورداری از جامعیت لازم حفظ شود.

۴- باز قانونگذار در راستای رسالت عظیم خویش در جهت رفع هرگونه ابهام احتمالی قانون استفساریه تبصره ۶ ماده واحده قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۶۷ را در مورخ ۱۳۸۴/۹/۲۲ تصویب کرد و بدینسان جلوی هرگونه سوء استفاده احتمالی را گرفته است.

۵- هیأت وزیران در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۱۰ آیین‌نامه اجرایی بحث‌برانگیز و متناقض و مغایر با ماده واحده قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ را به تصویب رساند که به موجب ماده ۱ و تبصره ۱ الحاقی به ماده ۱ کلیه جانبازان و آزادگان و ... را به صراحت مشمول مقررات این آیین‌نامه لحاظ می‌نماید، اما در ماده ۲ با موضوع کاملاً انفعالی ۱۸۰ درجه تغییر وضعیت داده، بدون هرگونه استناد قانونی مصوبه ماده ۱ و تبصره الحاقی آن را نفی کرده و در واقع نفس این تصمیم می‌تواند برای حضرات اهل فضل جای بسی تأمل و درنگ را در پی داشته باشد؟ و جالب اینجاست که نطفه ظهور پدیده جانبازان دولتی و غیر دولتی در چنین فضایی بسته شده است؟ جهت روشن شدن ذهن مرجع قضایی این سوال مطرح می‌شود که آیا در زمان پیر التهاب جنگ، رزمندگان در قالب دولتی یا غیر دولتی به سمت جبهه‌ها فراخوانی می‌شده‌اند؟ لذا با چنین عدله و برهانی واضح، ابطال ماده ۲ آن را از محضر ریاست شعبه مورد استدعا می‌باشد.

۶- اما بخشنامه شماره ۴۵ متشکلی عنه که منحصراً موضوع نحوه بازنشستگی جانبازان و آزادگان را در دستور کار قرار داده که طی شماره ۱۴۶۶ - ۱۳۸۵/۶/۷ به استانها ابلاغ گردیده که با عنایت به شرح بندهای این لایحه برای اهل فضل و اندیشه بویژه ریاست شعبه جای بسی تأمل و درنگ را در پی خواهد داشت. چرا که در بخش پیش‌گفتار با ادبیات و لحنی در خور شأن این قشر پابره‌نه را مورد لطف قرار داده است. همان طور که لازم بود به اجمال طی مستنداتی جان مطلب را بیان داشته و در بند ۱ مشمولین قانون را به وضوح تصویر کرده و اگر چه در بند ۲ به نحوی موضوع دولتی و غیر دولتی را مطرح نموده که به نظر می‌رسد از دیرباز بازیگران صحنه که عمدتاً مرفعی بی‌درد و جنگ ندیده‌ها بودند و همواره به نوعی چوب لای چرخ گذاشته که دستاوردها به صورت غیر عقلانی و مغایر با اهداف قانون هنوز احساس می‌شود و در بند ۳ موضوع شرایط بازنشستگی در ۲ بخش شرایط عمومی و خاص بیان شده که به نوبه خود تأمل‌برانگیز بوده و حکایت از آن دارد که «میزان آخرین حقوق دریافتی قبل از بازنشستگی ملاک محاسبه حقوق دوران بازنشستگی می‌باشد» و سرانجام عاجزانه نظر قاضی پرونده را به بند ۵ بخشنامه مذکور با موضوعیت نحوه برقراری و تعیین میزان بازنشستگی که بسیار حائز اهمیت می‌باشد جلب می‌نمایند چرا اینکه «آخرین حقوق دریافتی مبنای بازنشستگی متناسب با آخرین حکم کارگزینی

کاهش نرخ عوارض صدور پروانه ساختمانی را در کاربریهای مختلف مورد تأکید قرار داده و از سوی دیگر در قوانین مرتبط با فضای سبز از جمله قانون گسترش فضای سبز شهرها و اصلاحیه‌های بعدی آن، عوارض فضای سبز شهری پیش‌بینی نشده است، بنابراین ردیف ۶ از تعرفه شماره ۲۸ با عنوان هزینه فضای سبز و توسعه آن از دفترچه عوارض و بهای خدمات سال ۱۳۹۶ شهرداری گراش مصوب شورای اسلامی شهر گراش مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

شماره ۹۶۰۱۰۴۸

۱۳۹۸/۳/۲۶

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رییس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۲۰۰۳۱ مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۴ با موضوع: «ابطال بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی در خصوص نحوه محاسبه مستمری بازنشستگان جانبازان و آزادگان» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۲/۲۴ شماره دادنامه: ۳۱/۲ شماره پرونده: ۱۰۴۸/۹۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکلی: آقای علی اصغر داودی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ هیأت وزیران و بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی در خصوص نحوه محاسبه مستمری بازنشستگی جانبازان و آزادگان

گردش کار: شاکلی به موجب دادخواست و لایحه تکمیلی ابطال ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ هیأت وزیران و بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ حوزه فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی در خصوص نحوه محاسبه مستمری بازنشستگی جانبازان و آزادگان را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«ریاست محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم

احتراماً اینجانب علی اصغر داودی جانباز ۳۵٪ و از کارکنان موسسه عمومی غیر دولتی سازمان بنیاد شهید و امور اینثارگران (مازندران - آمل) که در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ به درجه بازنشستگی نائل آمده‌ام به استحضار عالی می‌رسانم متشاکلی عنه، حقوق بازنشستگی‌ام را بر اساس دو سال آخر خدمت محاسبه و منظور کرده است در حالی که بنده جانباز بوده و به موجب ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان و ... مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ و اصلاحات بعدی از سوی قانونگذار و بخشنامه شماره ۴۵ متشاکلی عنه از بابت مستمریها می‌باید بر اساس آخرین حقوق دریافتی (مشمول بیمه) متناسب با آخرین حکم استخدامی لحاظ شود. با عنایت به مفاد لایحه پیوستی و اینکه در بعضی از آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، در بین جانبازان این سروقامتان عرصه پیکار با دشمنان قسم خورده انقلاب و اسلام، تبعیض قائل شده و آنان را به دو دسته «دولتی و غیر دولتی» تقسیم نموده‌اند که نفس این عمل غیر قانونی را می‌توان یک آفت اجتماعی تلقی نمود. (از جمله بند ۲ آیین‌نامه اجرایی مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۰ و بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ متشاکلی عنه) که فی الواقع به نحوی ارزشها را زیر پا نهاده و بدینسان زمینه توزیع ناعادلانه درآمد را میان این قشر ممتاز و در عین حال ضعیف جامعه (به لحاظ اقتصادی و معیشتی) ترویج می‌دهند که در حقیقت با روح قانون و اهداف متعالی قانونگذار در تعارض جدی قرار داشته و مسیر وحدت رویه در اجرای قانون را به چالش کشانده که به نوبه خود می‌تواند آثار مخرب و جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد. لذا با عنایت به شرح فوق التوصیف و آن چه را که در پرونده منعکس می‌باشد در صورتی که قانون مقدم بر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها متصور باشد از محضر آن جایگاه منیع قضایی اولاً: حکم به ابطال ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۰ و نیز بند «ب»

ضربدر مجموعه سابقه مبنای بازنشستگی (حداقل ۲۰ سال) به علاوه مدت سنوات ارفاقی (حداکثر ۱۰ سال) تقسیم بر ۳۰ را قرار داد.»

۷- با ملحوظ نمودن مفاد بندهای فوق به نظر می‌رسد موضوع «دولتی و غیردولتی» تنها نشأت گرفته از تفسیر به رأی از قانون می‌باشد چرا اینکه قانونگذار در هیچ جای قانون بدان اشاره‌ای نکرد علی‌رغم اینکه فلسفه جامعیت قانون چنین اقتضا می‌نماید اما موضوع بحث برانگیز بند ب بخشنامه شماره ۴۵/۲ بوده که درمقابل بند الف ظاهر شده و ملاحظه می‌شود تحت تاثیر آیین‌نامه اجرایی مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۰ مورد اشاره در بند ۵ این لایحه قرار گرفته و مغایر صریح با ماده واحده نحوه بازنشستگی مصوب ۱۳۶۷ می‌باشد که از محضر قاضی شعبه ابطال آن مورد استدعا می‌باشد.

۸- به پیوست رأی شماره ۳۴۵-۱۳۹۵/۵/۱۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به حضور ایفاد می‌گردد که دربرگیرنده و موید این است که مطابق ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۶۷ ملاک و مبنای محاسبه حقوق جانبازان و ... در هنگام بازنشستگی «آخرین حقوق دریافتی قبل از بازنشستگی منطبق با آخرین حکم کارگزینی می‌باشد.»

بنابراین ملاک محاسبه حقوق جانبازان بدون هرگونه تبعیض و شبهه‌ای می‌باید بر مبنای آخرین حقوق دریافتی (مشمول بیمه) متناسب با آخرین حکم استخدامی (کارگزینی) محاسبه و ملحوظ می‌گردد در غیر این صورت جای بسی تأمل است: چه فرقی فی مابین جانباز و غیر جانباز از منظر قانونگذار وجود داشته و چه دلیل و برهانی سبب گشت تا قوه مقننه ماده واحده مورد بحث را در سال ۱۳۶۷ تصویب کند؟ در این راستا وجود اصلاحیه قانون یاد شده مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ فوق‌الذکر (بند ۳ لایحه) دلیلی برای مدعاست که نباید تبعیضی بین جانبازان این قشر ممتاز ایثارگر و نام آشنا در شناسنامه انقلاب وجود داشته باشد و به عبارتی واضح‌تر بیان دولتی یا غیر دولتی خواندن جانبازان در آیین‌نامه اجرایی و بخشنامه‌ها، مغایر نص صریح قانون یاد شده بوده و در حقیقت می‌توان نوعی ظلم در حقشان قلمداد کرد. در آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ هیأت وزیران صرف نظر از اینکه نفس عمل با قانون مطابقت دارد یا خیر؟ تناقض آشکار وجود دارد. یعنی از یک سو ماده ۱ و تبصره ۱ الحاقی بر ماده ۱ را به صراحت ملاک عمل قرار می‌دهند و از سوی دیگر در حالتی کاملاً انفعالی و متضاد ماده ۲ را مبنا قرار می‌دهند که این امر حکایت از آن دارد که در کالبد آیین‌نامه اجرایی مذکور نسبت به تطبیق متن آیین‌نامه با روح قانون کوتاهی و قصوری به عمل آمده و تنها از اظهار نظر و برداشت‌های سلیقه‌ای و تفسیر به رأی بسنده شده است در نتیجه این طور استنباط می‌گردد که اصل بر حاکم بودن قانون و تبعیت از آن بایستی ملاک عمل باشد. مزید استحضار معروض می‌دارد در حالت منطقی و محکمه‌پسند و حاکمیت عقل سلیم، ۲ حالت را در پیش رو داریم که می‌تواند محکم را در امر حصول نتیجه شفافتر مدد نماید:

حالت اول: آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها، بر قانون مقدم است که در این صورت بنده و امثالهم نه تنها هیچ ادعایی نداریم بلکه تقاضای مختومه شدن پرونده موردتمناست.
حالت دوم: قانون بر آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها مقدم و مشرف است در این صورت رسیدگی عاجل مورد استدعاست.

شایان ذکر است آیا جانبازان مستحق هستند پس از گذشت حدود ۳۰ سال از تصویب قانون (مصوب ۱۳۶۷) و گذر از میادین نبرد تاریخ ساز هنوز در کسوت گمنامی و در هاله‌ای از ابهام در عامل فقر و عزلت‌گزینی زندگی کنند؟ و همواره دستاویز بعضی از مرفعیین بی‌درد و مسئولین جنگ‌ندیده، درد نکشیده و ... امثالهم قرار گیرند؟ در این راستا پر واضح است که ماهیت قانون (به لحاظ جامعیت و فراگیر بودنش) و عقل و منطق اقتضا می‌نماید که هیچ تبعیضی بین سربازان و جان برکف ولایت وجود نداشته باشد یا به عبارتی به صورت یک بام و دو هوا عمل نشود. چرا اینکه با اصالت و هویت و روح نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در تعارض است. لذا از محضر آن جایگاه منبع قضایی استدعا دارد با توجه به شرح فوق‌التوصیف و آنچه که در پرونده منعکس است در وقتی فوق‌العاده و خارج از نوبت اولاً: حکم به ابطال ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ و بند ب بخشنامه ۴۵/۲ متشاکی عنه به دلیل مغایرت صریح با روح قانون مورد تمنا می‌باشد. ثانیاً: الزام متشاکی عنه به برقراری حقوق بازنشستگی از تاریخ بازنشستگی بر اساس آخرین حقوق دریافتی به تناسب آخرین حکم کارگزینی به موجب ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ مور استدعا می‌باشد.»

متن مقررهای مورد اعتراض به قرار زیر است:

(۱) بند «ب» بخشنامه شماره ۴/۵ مستمریهای حوزه فنی درآمد:

ب) میزان مستمری بازنشستگی مشمولین شاغل در بخش غیر دولتی و همچنین مشمولین قانون کار (کارکنان غیر رسمی، قراردادی یا دارای عناوین مشابه) دستگاهها و شرکتهای دولتی عبارتست از: متوسط مزد یا حقوق مبنای کسر حق بیمه متقاضی مطابق با مفاد تبصره ماده ۷۷ قانون ضربدر مجموع سابقه قابل احتساب (سابقه اصلی و ارفاقی) تقسیم برسی. تذکر:

۱- در هر حالت خدمت مزاد بر ۳۰ سال مشمولین این بخشنامه در تعیین حقوق بازنشستگی آنها قابل محاسبه نخواهد بود.

۲- منظور از آخرین حقوق مبنای بازنشستگی عبارتست از جمع مبالغ مشمول کسر حق بیمه مندرج در آخرین حکم کارگزینی متقاضی.»

۲) آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ۱۳۸۵/۲/۱۰:

«ماده ۲- ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی جانبازان، آزادگان، معلولین عادی و حوادث ناشی از کار و بیماران ناشی از شرایط خاص کار مشمول این آیین‌نامه اعم از شاغلین در دستگاههای مورد اشاره در بند (۱) یا تبصره (۱) بند (۱) که دارای احکام استخدام رسمی، ثابت یا دارای عناوین مشابه می‌باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی که بر اساس ضوابط و مقررات استخدامی حاکم بر دستگاه مربوطه مبنای حقوق بازنشستگی قرار گرفته است و نیز در خصوص آن دسته از افراد موصوف که در بخش غیر دولتی (مشمولین تبصره ۱ بند ۱) شاغل می‌باشند، مطابق قانون تامین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد.»

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تامین اجتماعی به موجب لایحه شماره ۷۱۰۰/۹۷/۶۳۰۹ - ۱۳۹۷/۹/۲۶ توضیح داده است که:

«جناب آقای دربین

مدیر کل محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: آقای علی اصغر داودی

سلام علیکم

با صلوات بر محمد و آل محمد (ص)

احتراماً؛ عطف به اخطاریه مورخ ۱۳۹۷/۶/۱۵ صادره در پرونده کلاسه ۹۶۰۱۰۴۸، در خصوص شکایت آقای علی‌اصغر داودی به خواسته ابطال ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۰ و بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ مستمریها، خواهشمند است مقرر فرمایید با عنایت به دفاعیات ذیل نسبت به رد شکایت مطروحه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اقدام لازم مبذول نمایند.

الف) دفاعیات شکلی

نظر به این که شکایات مشابهی با خواسته مطروحه قبلاً در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و در نهایت طی دادنامه هیأت عمومی به شماره ۱۵۵۶ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ و دادنامه هیأت تخصصی اداری و استخدامی به شماره ۱ - ۱۳۹۶/۱/۳۰ و دادنامه‌های شماره ۹۴۲ الی ۹۴۵ - ۱۳۹۷/۴/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۲۶۸۶/ت/۳۳۷۵۰ - ۱۳۸۵/۲/۶ هیأت وزیران را مورد تأیید قرار داده است. بنابراین موضوع از اعتبار قضیه محکوم بها برخوردار بوده و مطابق ماده ۸۵ قانون دیوان عدالت موجهی جهت رسیدگی آن وجود ندارد. لذا از این حیث خواسته شاکی قابل رد باشد.

ب) دفاعیات ماهوی

۱- ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران ... مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ مجلس شورای اسلامی مقرر داشته، «کلیه وزارت‌خانه‌ها، شرکتهای، مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانکها، مؤسسات و شرکتهای سازمان‌هایی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و همچنین، بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی ایران می‌توانند مستخدمین معلول (اعم از جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی، معلولین حوادث ناشی از کار، بیماران ناشی از شرایط خاص کار و معلولین عادی) رسمی یا ثابت یا دارای عناوین مشابه خود را (به جز کارگران مشمول قانون کار) به شرط داشتن حداقل بیست سال تمام سابقه خدمت براساس درخواست کتبی آنان و تصویب شورای امور اداری و استخدامی کشور با افزودن سنوات خدمت ارفاقی که مدت آن ذیلاً برحسب نوع و درجه معلولیت و یا بیماری مشخص شده است، به مدت خدمات آنان، بدون پرداخت کسور و فقط از لحاظ احتساب حقوق بازنشستگی، بازنشسته نماید. خدمت زائد بر سی سال این

حوزه فنی و درآمد فنی نحوه محاسبه مستمری بازنشستگی جانبازان و آزادگان بخشنامه شماره ۴۵/۲ مستمریها

۴- شاکی در بخش دوم خواسته، تقاضای ابطال بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ مستمریها دارد. در حالی که استنباط شاکی از بخشنامه موصوف بنا به دلایل ذیل صحیح نمی باشد.

الف- بند «ب» بخشنامه معترض عنه مقرر نموده میزان مستمری بازنشستگی مشمولین شاغل در بخش غیر دولتی و همچنین مشمولین قانون کار (کارکنان غیررسمی، قراردادی، یا دارای عناوین مشابه) دستگاهها و شرکتهای دولتی عبارت است از متوسط مزد یا حقوق مبنای کسر حق بیمه متقاضی مطابق با مفاد تبصره ماده ۷۷ قانون ضریب مجموع سابقه قابل احتساب (سابقه اصلی و ارفاقی) تقسیم برسی، از آنجا که در ذیل متن ماده واحده عبارت «تعیین حقوق بازنشستگی آنان آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد» درج گردیده است و در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۰ حکم خاصی برای تعیین حقوق بازنشستگی وضع شده که اعتبار آن از قانون مذکور اخذ نموده است. که به موجب آن مقرر گردیده، ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی جانبازان، آزادگان، معلولین عادی و حوادث ناشی از کار و بیماران ناشی از شرایط خاص کار و مشمول این آیین‌نامه اعم از شاغلین در دستگاههای مورد اشاره در بند ۱ یا تبصره (۱) بند (۱) که دارای احکام استخدام رسمی ثابت یا دارای عناوین مشابه می‌باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی که بر اساس ضوابط و مقررات استخدامی حاکم بر دستگاه مربوط مبنای حقوق بازنشستگی قرار گرفته است و نیز آن دسته از افراد موصوف که در بخش غیر دولتی (مشمولین تبصره (۱) بند (۱)) شاغل می‌باشند، مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد. در این راستا بند ب بخشنامه ۴۵/۲ مستمریها عیناً منطبق با ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی فوق‌الذکر تنظیم گردیده و مغایرتی با آن ندارد.

بنابراین طبق قانون تأمین اجتماعی محاسبات مربوط به کسر حق بیمه از حقوق و مزایای بیمه شدگان مطابق بندهای ۵ و ۶ ماده ۲ تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد و بر این مبنا حق بیمه مشمولین این قانون دریافت می‌گردد و نحوه محاسبه مربوط به مستمری بازنشستگی نیز در ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی و تبصره آن معین شده است و در خصوص کلیه مشمولین قانون ماده یاد شده معیار پرداخت مستمری بازنشستگی است لیکن در ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور در خصوص بخش غیر دولتی مورد اشاره در (مشمولین تبصره «بند ۱») شاغل می‌باشند، مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد، که این سازمان نیز در خصوص محاسبه مستمری بازنشستگی مشمولین فوق‌الذکر مطابق آن عمل می‌نماید. با عنایت به مراتب فوق و اینکه ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و ... در مقام تعیین حقوق مستمری نبوده، بلکه در صدد ملاک و معیار تعیین آخرین حقوق قبل از بازنشستگی بوده و بند «ب» بخشنامه شماره ۴۵/۲ مستمریها، عیناً منطبق با ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی فوق‌الذکر تنظیم گردیده و مغایرتی با آن ندارد و همچنین شکایات مشابهی با خواسته مطروحه قبلاً در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و در نهایت طی دادنامه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۱۵۵۶ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ و دادنامه هیأت تخصصی اداری و استخدامی به شماره ۱ - ۱۳۹۶/۱۳/۳۰ و دادنامه‌های ۹۴۲ الی ۹۴۵ - ۱۳۹۷/۴/۱۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۲۶۸۶/ت/۳۳۷۵۰ هـ - ۱۳۸۵/۳/۶ هیأت وزیران را مورد تأیید قرار داده است. لذا ادعای شاکی در این خصوص بلاذلیل می‌باشد، تقاضای رسیدگی و رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.»

معاون امور حقوقی دولت [حوزه معاونت حقوقی رئیس‌جمهور] نیز به موجب لایحه شماره ۱۳۹۷/۸/۱۵ - ۳۵۸۴۴/۱۰۷۸۲۹ توضیح داده است که:

«مدیرکل دفتر هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری

با سلام و احترام

بازگشت به ابلاغیه شماره ۹۶۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۱۰۹۰ (کلاس ۱۰۴۸/۹۶) موضوع ارسال نسخه دوم درخواست آقای علی اصغر داودی، به خواسته «ابطال قسمتی از ماده ۲ تصویب‌نامه شماره ۲۲۶۸۶/ت/۳۳۷۵۰ - ۱۳۸۵/۳/۶ هیأت وزیران (آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور» اعلام می‌دارد:

افراد قابل محاسبه نبوده و در تعیین حقوق بازنشستگی آنان آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد.

در ادامه به موجب قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱، عبارت «به جز کارگران مشمول قانون کار» از متن ماده واحده قانون مزبور حذف شده است. لازم به ذکر است به موجب ماده واحده قانون تسری قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور به بنیاد شهید و امور ایثارگران مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۵، بعد از عبارت «مستلزم ذکر نام است» عبارت «و همچنین بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی ایران» اضافه می‌شود.

۲- براساس بند ۳ مقرر شده آیین‌نامه اجرایی این قانون توسط سازمان تأمین اجتماعی با همکاری بنیاد شهید و امور ایثارگران تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد. در این راستا آیین‌نامه اجرایی قانون یاد شده در تاریخ ۱۳۸۳ به تصویب رسیده، وفق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور مقرر گردیده، ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی جانبازان، آزادگان، معلولین عادی و حوادث ناشی از کار و بیماران ناشی از شرایط خاص کار مشمول این آیین‌نامه اعم از شاغلین در دستگاه‌های مورد اشاره در بند ۱ یا تبصره ۱۱ بند ۱ که دارای احکام استخدامی رسمی، ثابت یا دارای عناوین مشابه می‌باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی که بر اساس ضوابط و مقررات استخدامی حاکم بر دستگاه مربوطه مبنای حقوق بازنشستگی قرار گرفته است و نیز در خصوص آن دسته از افراد موصوف که در بخش غیردولتی (مشمولین تبصره ۱ بند ۱) شاغل می‌باشند، مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد.

لازم به توضیح است که در ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران ... مصوب ۶۷/۹/۱ مجلس شورای اسلامی اشاره گردیده، به محاسبه حقوق بازنشستگی براساس آخرین حقوق قبل از بازنشستگی، و در متن قانون تصریحی مبنی بر آخرین حقوق دریافتی پیش‌بینی نشده و از این حیث اساساً حکمی در قانون پیش‌بینی نشده که بخواهد مبنای درخواست و صدور حکم قرار گیرد. در این راستا هیأت وزیران در آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور مصوب ۱۳۶۸ با توجه به این که به حکم قانون قواعد آن صرفاً در خصوص دستگاه‌های دولتی قابلیت اجرا و اعمال دارد، بنا به مجوز حاصله از تبصره ۳ قانون، در بند ۲ آیین‌نامه اجرایی ملاک محاسبه آخرین حقوق را مبلغی که در مقررات استخدامی دستگاه‌های مشمول قانون، مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی بوده است را ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی دانسته است. در سال ۱۳۸۳ با اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان، کارکنان دستگاه‌های غیردولتی و مشمولین قانون کار شاغل در دستگاه‌های موضوع قانون نیز از مزایای قانون مزبور برخوردار شدند. لذا با توجه به ورود گروه دیگری از جانبازان که از لحاظ بازنشستگی و نظام بازنشستگی تابع شرایط و ضوابط خاص دیگری بودند، ضرورت ایجاب می‌نمود که ضوابط اجرای قانون برای گروهی که از لحاظ بازنشستگی تابع نظام دیگری هستند نیز پیش‌بینی شود بدین منظور بود که قانون‌گذار در اصلاحیه سال ۱۳۸۳ ضوابط اجرایی قانون نحوه بازنشستگی جانبازان را با تصویب هیأت وزیران پیش‌بینی نمود.

۳- با توجه به گسترش دامنه شمول قانون به دو گروه از کارکنان با دو نظام حمایتی و بازنشستگی خاص، هیأت وزیران در سال ۱۳۸۵ با توجه به وضعیت ایجاد شده دو حالت محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی که در قانون تصریح شده بود را به شرح ذیل تبیین نمود. گروه اول مشمولین، در خصوص کارکنان دستگاه‌های دولتی است که مطابق ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی، آخرین مبلغ مندرج در حکم استخدامی آنان ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی قرار گرفته است، گروه دوم مشمولین، کارکنان دستگاه‌های غیردولتی و مشمول قانون کار شاغل در دستگاه‌های دولتی بوده که ملاک محاسبه آخرین حقوق برای این گروه مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی آن تعیین می‌گردد. بدین معنی که جانبازان شاغل در دستگاه‌های غیردولتی و مشمول قانون کار شاغل در دستگاه‌های موضوع قانون، باتوجه به این که از لحاظ محاسبه مستمری دارای نظام خاص تأمین اجتماعی هستند مطابق مقررات همان نظام خاص، از مزایای مستمری بازنشستگی بهره‌مند می‌شوند. بنابراین ملاحظه می‌فرمایید که ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و ... در مقام تعیین حقوق مستمری نبوده، بلکه در صدد ملاک و معیار تعیین آخرین حقوق قبل از بازنشستگی بوده است. بنابراین از این حیث نیز خواسته شاکی قابل رد می‌باشد.

و قانون تأمین اجتماعی باشند (مورد اعتراض شاکي) در این حالت نحوه محاسبه بر اساس قانون تأمین اجتماعی (میانگین حق بیمه پرداختی در دو سال آخر خدمت) تعیین شده است. ۵- با توجه به موارد مرقوم و اینکه مفاد قانون نحوه بازنشستگی جانبازان ... و اصلاحات و الحاقات بعدی آن، حکم قانون تأمین اجتماعی در خصوص مشمولین قانون کار و تأمین اجتماعی در بخش غیر دولتی را نسخ نموده و اینکه برابر اصلاحیه سال ۱۳۸۳ همان قانون نیز نحوه تدوین آیین‌نامه اجرایی مربوطه (با لحاظ اصلاحات انجام شده و تسری قانون به مشمولین قانون کار و جانبازان و آزادگان کارگر مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی شاغل در بخشهای غیر دولتی) را بر عهده دولت قرار داده است لذا هیأت وزیران به شرح فوق اقدام به اتخاذ تصمیم نموده است که کاملاً مبتنی بر موازین قانونی مربوطه می‌باشد. در خاتمه با توجه به موارد معنونه صدور تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت مطروحه مورد استدعاست.

در خصوص قسمت دیگر از خواسته شاکي مبنی بر ابطال ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ هیأت وزیران، نظر به اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پیشتر به موجب دادنامه شماره ۱۵۵۶ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۶، آیین‌نامه فوق‌الذکر را ابطال کرده است، در اجرای ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ قرار رد شکایت به شماره دادنامه ۳۱ - ۱۳۹۸/۱۰/۲۰ صادر شده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۲/۲۴ با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه اولاً؛ به موجب ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ در تعیین حقوق بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی، معلولین حوادث ناشی از کار، بیماران ناشی از شرایط خاص کار و معلولین عادی کلیه وزارتخانه‌ها، شرکتها، مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانکها، مؤسسات و شرکتها و سازمانهایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و همچنین بنیاد شهید و امور ایثارگران انقلاب اسلامی ایران آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد و به موجب تبصره ۵ اصلاحی قانون مذکور مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ جانبازان و آزادگان کارگر مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی با لحاظ تبصره (۲) ماده (۲) قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ مشمول این قانون قرار گرفته‌اند.

ثانیاً؛ به موجب تبصره ۱ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۵/۲/۱۰ هیأت وزیران، جانبازان، معلولین، شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور و آزادگان تابع قانون کار و قانون تأمین اجتماعی بخشهای غیردولتی مشمول قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نیز مشمول مقررات قانونی مذکور قرار گرفته‌اند و در ماده ۲ آیین‌نامه مقرر شده ملاک محاسبه آخرین حقوق این افراد (اعم از شاغلین در دستگاه‌های موضوع ماده ۱ یا تبصره ۱ آن) در صورتی که دارای احکام استخدام رسمی، ثابت یا دارای عناوین مشابه باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی است و در خصوص آن دسته از افراد موصوف که در بخش غیردولتی (مشمول تبصره ۱ ماده ۱) شاغل هستند، مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد. لذا به موجب مقررات قانونی ذکر شده صرفاً مبنای محاسبه آخرین حقوق مشمولین ماده واحده مذکور که تابع قانون کار و تأمین اجتماعی بوده و فاقد حکم استخدامی هستند باید به موجب قانون تأمین اجتماعی قابل به عمل آید. بنابراین جزء ب بند ۱ بخشنامه ۴۵/۲ سازمان تأمین اجتماعی که میزان مستمري بازنشستگی مشمولین شاغل در بخش غیردولتی (موضوع مقررات قانونی ذکر شده) و همچنین مشمولین قانون کار دستگاه‌ها و شرکتها دولتی را به جای آخرین حقوق، تابع تبصره ماده ۷۷ قانون تأمین اجتماعی و متوسط مزد یا حقوق ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه قرار داده خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص داده می‌شود و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مرتضی علی اشراقی

۱- سابقاً برابر شکایات مربوطه دیگر، موضوع برابر دادنامه شماره ۱۵۵۶ - ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ (کلاس ۴۴۵/۸۶) و قرارهای شماره ۱۵۵ - ۱۳۸۸/۲/۲۳ (کلاس ۹۶۲/۸۷) و شماره ۸۸۲ - ۱۳۸۸/۱۲/۱۶ (کلاس ۷۹۱/۸۸) هیأت عمومی دیوان مورد رسیدگی و رد شکایت قرار گرفته است لذا در شکواییه اخیر نیز صدور قرار رد درخواست بر اساس ماده ۸۵ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، مورد استدعاست.

۲- ضمن تأکید بر مفاد بند (۱) فوق در خصوص اهمیت موضوع مطروحه لازم به ذکر است برابر ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور (مصوب ۱۳۶۷) و اصلاحیه آن (مصوب ۱۳۸۳) و نیز قانون استفساریه تبصره ۶ ماده واحده قانون موصوف (مصوب ۱۳۸۴) اشخاص مشمول قانون مزبور (جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی، معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور) که در بخش غیر دولتی اشتغال دارند، شامل کارکنان شهرداریها، بنیاد شهید و امور ایثارگران و نیز کارگران جانباز و آزاده شاغل در بخش غیر دولتی بوده و عمده این افراد، مشمول قانون تأمین اجتماعی می‌باشند.

۳- با توجه به اصلاحیه همان قانون در سال ۱۳۸۳ مقرر می‌گردد «کارگران مشمول قانون کار» شاغل در بخش دولتی و غیر دولتی (به شرح فوق) نیز تحت پوشش قانون موصوف (قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور) قرار گرفته و دو تبصره به عنوان تبصره‌های ۵ و ۶ به مفاد قانون الحاق می‌گردد به نحوی که «جانبازان و آزادگان کارگر مشمول قانون کار و تأمین اجتماعی ... مشمول این قانون قرار گرفته» و «پرداخت هزینه‌های ناشی از اصلاح این قانون ... در دستگاه‌های دولتی به عهده دستگاه مربوط و در دستگاه‌های غیر دولتی از جمله دستگاه‌های مشمول قانون کار به عهده دولت قرار گرفته که با اعلام آن توسط سازمان تأمین اجتماعی اعتبار مربوط طی ردیف جداگانه‌ای همه ساله در بودجه کل کشور پیش‌بینی و به حساب سازمان یاد شده پرداخت خواهد شد.»

علاوه بر موارد یاد شده همچنین در بند ۳ اصلاحیه قانونی یاد شده (مصوب ۱۳۸۳) مقرر می‌گردد: «آیین‌نامه اجرایی این قانون (قانون اصلاح قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۸۳) توسط سازمان تأمین اجتماعی با همکاری بنیاد شهید و امور ایثارگران تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد». بنابراین و با توجه به تغییرات یاد شده و تسری حیثه شمول قانون به کارگران مشمول قانون و نیز جانبازان و ایثارگران شاغل در بخشهای غیر دولتی و تأمین بار مالی مورد نیاز تدوین آیین‌نامه اجرایی مربوطه در صلاحیت دولت قرار گرفته است.

۴- با عنایت به موارد مرقوم هیأت وزیران در سال ۱۳۸۵ و برابر مصوبه مورد اشاره شاکي ضوابط لازم را تدوین نموده و برابر ماده ۲ این قانون مقرر می‌دارد: «ماده ۲- ملاک محاسبه آخرین حقوق قبل از بازنشستگی جانبازان، آزادگان، معلولین عادی و حوادث ناشی از کار و بیماران ناشی از شرایط خاص کار مشمول این آیین‌نامه اعم از شاغلین در دستگاه‌های مورد اشاره در بند ۱ یا تبصره ۱ بند ۱ که دارای احکام استخدام رسمی، ثابت یا دارای عناوین مشابه می‌باشند، مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی که بر اساس ضوابط و مقررات استخدامی حاکم بر دستگاه مربوطه مبنای حقوق بازنشستگی قرار گرفته است و نیز در خصوص آن دسته از افراد موصوف که در بخش غیر دولتی (مشمول تبصره ۱ بند ۱) شاغل می‌باشند مطابق قانون تأمین اجتماعی و تغییرات بعدی عمل خواهد شد.» در ضمن لازم به توضیح است مشمولین تبصره ۱ بند (ماده) ۱ مقرر مربوط به مشمولین قانون کار و قانون تأمین اجتماعی شاغل در بخش غیر دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی می‌باشد. همان گونه که ملاحظه می‌گردد برابر ضوابط ماده ۲ مقرر شیهه محاسبه مستمري مورد نظر بدین شرح است:

الف - نحوه محاسبه مستمري بازنشستگی کلیه مستخدمین رسمی، ثابت یا عناوین مشابه در کلیه دستگاه‌های دولتی، صرف نظر از صندوق بازنشستگی آنان و مطابق با مفاد ماده ۱ ماده واحده قانون نحوه بازنشستگی جانبازان مصوب ۱۳۶۸ که مقرر می‌دارد: «در تعیین حقوق بازنشستگی آنان آخرین حقوق قبل از بازنشستگی مبنای محاسبه قرار می‌گیرد.» بر اساس مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی می‌باشد.

ب - نحوه محاسبه مستمري بازنشستگی کلیه مستخدمین رسمی، ثابت یا عناوین مشابه در کلیه دستگاه‌های غیر دولتی مشمول قانون، نیز بر اساس مبلغ مندرج در آخرین حکم استخدامی خواهد بود لیکن چنانچه مستخدمین بخش غیر دولتی موصوف، مشمول قانون کار